

# نویسد

(وابسته به حزب سوده ایران)

شماره ۱۳ - خنجر ۳ بهار ۱۳۳۱

## سیاست چماق رژیم و شیوه مبارزه با آن



شاه ابر قدرت

سیاست و شیوه جدید رژیم شاه - سواک هدفی است که در پشت چماق ها پنهان است بخلاف نیکه کرد .  
سیاست چماق هدفی است و نگاه ای واقعیتی است که :  
۱- انحراف توجه جباران از هدف اصلی ؛  
۲- تجزیه مخاطبان و کاهش نیروی جسی آنها .

دنباله در صفحه ۲

هدف گذشته لامحاله صحنه نمایش پانزدهم بود که در آن زنتی روسای و نوزارت درسیای تریکه رژیم شاه سواک ، اوج تازه ای گرفت . درحالی که این نمایش ماه پورن گشته ، منوچهر هزارخانی اسلام کاظمی ، درین ارضای کسانین نوسندگان ایران که به دعوت دانشجویان برای ایراد سخنرانی به مدرسه عالی لامحاله رفته بودند ، با هجوم چاقوکاران و داره بندان وحشی به دست های سواک روبرو شدند . دراین صحنه ش مجروح شد و تعدادی از دانشجویان به خانه و مسجون در غلطیدند .

ریز و ریشیه گذشته چماق داران شاه دست گرد دیگری به آب دارند . آنها دانشگاه آریامهر را فری کردند و با شمرهای تحریک آمیز کوشیدند تا دانشجویان صیبن پرست را که نفس جاتانه ای در سینه پرورش آزادی به عهد گرفته اند ، به کسب الحظ و مظلوموارانند و دستاویزی برای به آتش کشیدن دانشگاه و امحاله تعطیل آن ببانند . از اول اظهار سواکی سر صد بودند تا با همان شیوه های کینه و زنگ زده همگسسی هدف جباران دانشجویی را که جاتانه آن اعتراض به حکومت استبدادی و اختیاری سیاسی است ، نهی صیاب جوانی و سرگرمی و ضایعه های بین دستجات کوشین دانشجویان جلوه و دهند و با سب و تحریف و انصت و هم حساسه ریز و سلحشوری جوانان آگاه صیبن را از توده ها بی نشانند و بهراری تبلیغات صسی و ضلعه خود ، زمینه چینی کنند . اما دانشجویان به برکت شناخت و تجربه یی که در پیروان دیگر جباران صحنی و سیاسی خود فراخند آورده اند ، این وسیله ناشیانه و انحرافی را چه کردند به انشای صحنه شب بازی متدل سواک ، نمایش چاقو کشان حرفه ای را در لباس مدل دانشجویی ، از سنگانداز و طلسم دیوار پرتنگ کوشیدند .

سیاست چماق و ارباب و تحریک ، در هدفهای اخیریه صورت ربه رسمی حکمتی در آمده است . چماق به دست ما ، چمن گشته جانوران درنده به اجتنام سلامت آرزو برادر کاروانراستی پرورش یابند ، در صحن دانشگاهها ، به عنوان واله بیسن دانشجویان نظارتهای سواکی به راه ی اندازند ، همانطاسق استاد دانشگاه و صحن میرزا زاده ، شاعر محروم و همگسرتوری را از گلانتری به بیابانهای ایران نو ی کشانند به صحرای چوب و چماق شکسته گران این کوشیدند کانیخونه ما به بیابانها رانده شده اند ، بی سبازند ، در ساجد و محافل روانه ها و خیابانها به شخصیت های ملی و مخالفان رژیم ناخت ی برند و با آنها با برهان چماق و پنجه بکشی جباران زنجیر شده اند ، تسویه حساب ی کنند . و در این حال ، جناح داران و فرسخ حزب توده ، با هر چه میسر می آید ، کوشانند تا با کتک بر روی ترنه که " چرا مخالفان از بحث و گفت و شنود فروری گشته ؟ " چه کسی با شکر هی !

مخالفان مایوسی را ملات ی کنند که چرا از بحث به سیاسی آریامهر آن ی گزینند ، یعنی که در آن چماق به جای کلمات و نشانه و پیونده صواب کردن به مروض های حرفه ای حصول ی شود ؛ اما این اوج تازه و بدوش گشته ای در روسای و دولت و نوزنگ نیست

آنگاه چماق به معرفی و امید و پناهگاه با نکتوتی بدل ی شود ، در پرورش جانوران درنده فراموشان رگه های مکرر نشی نه صحرای متصل ، بلکه ضعف اخلاص و بیچارگی ، زنده آید ، بلکه مرگ و نیک نشود ، بر اثر سیاسی ، بلکه حرکت صحنی به جانور زشتی و به نفع اندازد را بیشتر ی توان احساس کرد . اما این برادرت نباید ملرا از حنجره ما با ارباب و متفلسف

## توطئه وسیع ضد دانشگاهی رژیم

و ۱۱۰ دانشجوی دانشگاه صنعتی تهران اخراج برهی از آن ها تحت تعقیب قرار گرفتند . گفته ی شود سواک گردانندگان اخیر و صحنی و فرهنگی را زحمت گردانندگان شیهای سخنرانی دانشگاه صنعتی را تحت تعقیب قرار داده است . بر اساس گزارشهای رسیده به دانشگاه فنی به کئی تعطیل شده و مدرسه عالی برنا صحنی و کنگر در گامپورت با ۱۱۰ دانشجو شخصل شده است . در مدرسه عالی بیمه تهران به دنبال انصاف و تطهیرات دانشجویان در روز ۱۵ آذر ، چهار تن از دانشجویان دستگیر شده اند . در دانشسرای ارضانای تحصیلی سلمی نیز به دنبال چغره زین انصاف و انحراف و نظارتهای وسیع مایابانی علیه رژیم استبدادی ی ۷ تن از دانشجو بان توسط حمال روس با زارت و از امان تحصیل محروم شده اند . همچنین تعدادی از هنرمندان دختر آریامهر ، عالی بهد انت سلمی به دنبال تطهیرات ضد رژیم به ضایت ۱۶ آذر ، رژیم در دانشگاه (سان) دستگیر شده اند که گفته ی شود در نظر شدگان به سه دار کسرتی سلمی فرستاده شده است اما دانشجویان نیکه یی در اندکه تمام فراموش یابری یی از یونیورسرای سواک ساری ادره یی شود .

توطئه سکوت رژیم و ابرو در ای روز روز خنجر گرانه به دانشگاه ها و مراکز صحنی و فرهنگی است ، به پایه به طور وسیع انشا کرد . بهترین باری به دانشگاهیان و زندگان سنجهای دانش و فرهنگ که اینک آماج مستقیم حلاط در دشمنان رژیم شاه هستند ، انشای سیاست های خنجر سواکی - تروپیتی و فراموش جسمی صحنی و سیاسی ، بدین سیاست هاست . ربه افلاخ و زارت است دانشجویان و کارهای آموزشی دانشگاهها تعطیل دانشگاه ها ، به درس عالی و دانشگاهها به یکی از نظارتهای صحنی چماق رژیم است . این چماق راه غریبه ای علیه خود رژیم صحنی گشته ؛ جنایات ضد فرهنگی و ضد دانشگاهی شاه سواک و راهر چه وسیع تر در محافل و جناح داخلی و خارجی بر ملا صحنی و از تروپیتی انحراف که از این انحراف یابری خبرد ، سیر و مخاطب برای جنبش دانشگاهی ایران سازمان . با هر وسیله ای که در دسترس است به طر کوشی و شغالی ، با نامها ، بهانه ها و افلاخهای مناسب ، با نظارتهای و تضامین و نظارتهای فردی و گروهی ، به سبب شکایت و جرایع دانشی و علمی ، با هر ارگان دیگری که میسر است ، با هر وسیله ای که میسر است ، در خارج کشور از اقصای تکیان و فتنه و دانشگاهی آگاه سازمان . در کنگره و کنگره های مدرسه و اداره و در بازار و هر محفل و شکایت دیگری به نظارتهای شکل و صحنی و خنجر بد اندیشه و خنجر راه به صحنی از آزاد و کتک خنجر اساسی و انگیزه ای در هدفهای باست به کار گیریم . . . .

درمان توطئه سکوتی که با انواع صحنه سازها و صحره گیری ها همراه است ، بهر روش گزیده ای به دانشگاهها باز شده است . دانشگاههای ایران حالیهات در دستمک طاوت و سبزه با اختیاری و بیگانه ای اند . رژیم انزوی آگاه کننده و بهر وسیله روز افزون دانشجویان و استادان دانشگاه را در حد انزوی در مطیم خلق های ما واز پیوندی به توسعه این جنبش و صحنی و فرهنگی با جنبش صحری مردم آگاه است . راهه او در این آگاهی است .

جنبش دانشگاهی علی رض تاخت و تازهای آشکار و پنهان رژیم علی رض دسیسه های شادای ضد دانشجویی علی رض سلطنتی کنگرگان و دروغیان سواک در مطیم دانشگاه و استادان از هر وسائل ارباب و پنجه و پنجه و طلسم و انصاف چنان در انصاف که اجزای همچنان شور و غریب آن در خیا با پنجه کچه ها با زار های شهرهای دانشگاهی لبریز میاری شده است . خورهایی که به ماریده حاکمی از است که رژیم برای سرکوب کردن این طغیان آگاهانه ، دست به راه نضیه وسیع در سطح دانشجویان و کار های آموزشی دانشگاهها زده است . چهل تن از استادان دانشگاه تهران و دهها استاد ، استادیار و دانشیار دیگر دانشگاه ها که با ضیانت های تروپیتی ، ضد بشری و ضد دانشگاهی رژیم انحراف یان مطالعه یی گشته ، در آستانه بزرگی اند ، دستگیر و تعطیل دانشگاهها با یک پس از دیگری صامری شود ، اما بهر تعطیل مردم اندکده ، انحراف ها و انصافهای آزاد بنظر اماند دانشگاهی اوج وطنی تازه ای ی مایه . بلندگوهای تبلیغاتی رژیم همچنان ض بوجانته تلاش دارند جنبش گزیده و اوج گزیده انحرافی طلسم رژیم خودکات را کویله و مطیم وسیع شده نشان دهند و در مطیم مرده های حیوانی صحنی چاقو کتور داره بنده و ضمیمه رایسه عنوان به انصاف بانگ انحرافی مردم ( ۱ ) طبع جنبش ازادی خواهان مردم جا بزنند . در این گزیده از تروپیتی و استبدادی تاکنیم صحنی زیادی از دانشجویان دانشگاهها تنها به جسم آزاد بنخواهی از تحصیل در محروم شده اند . جرم آن ها طلب محیطی و افشا طبعی و فرار از حضور پلیس سواک در دانشگاهها است . بر اساس آخرین گزارشهای رسیده ، تاکنون از دانشگاه تهران ۲۵۰ دانشجو ( ۲ ) در دانشگاه فنی ۴۴ نفر انصاف ۷ نفر مطیم ۲۴ نفر مطیم تروپیتی ۱۱ نفر مطیم انصافی ۱۱ نفر و ادبیات ۲۲ نفر و کشاورزی ۱۸ نفر ، حقوقی ۱۷ نفر ، فلسفه پزشکی ۲۰ نفر ، دروسهای ۲۹ نفر ، تجمیع ۳ نفر ( ۳ ) از اد انصافی محروم شده اند . نسا ۳۷ دانشجو در دانشسرای تربیت معلم ، ۶۳ دانشجوی دانشگاه تروپیتی شهید ، ۲۲ دانشجوی دانشگاه رضایی ، ۳۳ دانشجوی مدرسه عالی ورزشی

دانشسرای رضایی ، ۳۳ دانشجوی مدرسه عالی ورزشی



# پیام احمد شاملو به همه نیروهای مبارز ملی

فرزانه وطن  
چه ها که نگردیم  
گروهی گشته شمیم  
و گروهی سخن گفتیم!

محاسنت سفر شاه به آمریکا ۱۰ احمد شاملو در ۱۲ دیماه پیام  
نیرا منتشر کرد.

### موضوع!

شاه ایران - دیوانه - خوخنواری که گذرگاه خوخنواری  
بوده مائی از پنجاه هزار جنازه در سراسر کشور نشانه گذاری  
شده است و مطهرترین جهره لی است که در تمام تاریخ ایمن  
کنیر نوشته است ظهور کند - باردیگر به

آمریکا می آید.

طبعی است که روزی ناه های ایران  
چنین را وجود می کند که " حضرت ریسی  
جمهوری آمریکا به دلیل اعتدالی که به  
شخصیت جهانی شاهنشاه دارند از ذات  
مارک دوت کرده اند تا برای تبادل نظر  
وبهره جوشی از رهنمودهای دهمانه ایشان  
در حل مشکلات بین المللی به آمریکا سفر  
کند " - اما برای ما که بیش از یک نیمه قرن  
شوکتی پدیداری را در کاوش سنگین ایمن  
بخش سیاسی با وطن و ابتدال و تحسیر و



ظفان دست و گریبان بود مایم به نواز هر کسی چه اینکه " رهنمود -  
های این داهی کبیر " از حق خفته نی است... ما بهتر از  
هر کسی می دانیم که از نکت وجود این " داهی " بر کشور ما  
که می تواند آزاد و آباد و سرفراز و بی نیاز باشد چه می گذرد -  
بر روستاهای پیرانه و منورک کشور ما که هفت قرن پیش با وجود  
کمبود آب و فقدان راه ها و وسائل ارتباطی و تکنیکی امسروز  
می توانست از طریق شیوه های ابتدای خود در کشاورزی و  
آبپاری و اداری ، شهرهای با بیش از یک میلیون نفر سکنه  
را تمدن کند چه می گذرد ، و بر فرهنگ و جامعه و اقتصاد ما  
چه می گذرد - ما بهتر از هر کسی می دانیم که سزودسته - فارت -  
گران ایران برای چه منظوری به آمریکا می آید و چنان او و  
دستگاه رهبری سیاسی آمریکا و آقای کاتر که با تاسی فلسفی  
" حقوق انسانی " این بر سر این نیز قرار می کند " تبادل نظر "  
در چه زمینه هائی صورت می گیرد .

ما ایرانی ها این حقایق را بهتر از هر کسی درک می کنیم و  
می دانیم که دیدار محدودها پهلوی و آقای کاتر ، فقط و فقط  
سرسبی است که طی آن ما با بی نظایط اصطلاحی عمده " حکومت  
جابرانه و غیرعربی شاه با شعار " دفاع از حقوق بشر " آقای  
کاتر ، حضوراً گریس کاری بشود تا حیرت سیاسی جدید رهبران  
آمریکا ( که با دفاع از رژیم اعدای ما دسته حمی و زندانیهای  
مالا مال شاه یکسره بی نیاز خواهد شد ) اینها را کند نفی شود  
که در میدان اصلی مبارزه نیز کاربرد خود را به کلی از دست  
بدهد - زیرا کشمیرین های دستگاه رهبری  
آمریکا به خوبی آنگاه که " شرکت راهزنی  
خاروبه " پهلوی و انگل های وابسته " در هیچ  
شرایطی نخواهد توانست در مواجعتی که از  
تاریخ کودتای سپهبد زاهدی و شهبان  
می رخ و سا تا به امروز به جنگ آورده است  
یک سر مو شب بشنیده - آنها می دانند که  
این رژیم بر یکت تنها از طریق پا گذاشتن  
بر همه " انسان انسانی و اختناق سیاسی طلق  
و فشار روزافزون در قرت های پلیسی و نظامی  
است که تا به امروز نوشته بدین معنی -  
پایه لی . و در حالت تعلیق کامل ، همچنان  
برخدرات " منصف " حاکم باشد و ناگزیر ، نهج روشهای ملایمتر  
امیرالی جنب آزادی قلم و آزادی اجتهادات و برچیدن ناپسند  
پهلوان کجیل " حزب فراگیر " و بهیاد داشتن حکومت لائسی و  
قبول " محدود قابل پذیرش تری از انصاف و عدالت " در  
دادگاه های درسته " نظامی - حتی اگر فقط روی لاف و بسته  
صرف ادا و تنها برای حفظ ظاهر هم صورت بگیرد - ادوکی  
است که این بنهار برخطوطات محضرا آید و بی درنگ او را  
روانه جهنم خواهد کرد - لاجرم ، نساجان نایفه جدا باشد  
سیاست آقای کاتر باید نظیر آن را چنان طراحی کند که هم  
خوسریم محمود ایران را خیرم دم درازش در دامن پسر  
محبت خود نگهدارد و هم قسم حضرت عباسی حمایت از حقوق  
انسانی آنها به فوت خود باقی بماند تا این قدرت آمریکا  
مطمئن بتواند در منافع در آن شیشه بماند و در دین حال با  
دزد زیرگان نیز همدلان همدردی نشان دهد .

اینها نکاتی است که بر همه ما آشکار است و به همین  
جهت تصور می کنم سخن گفتن بیش از این در این باب تکرار  
مکرات خواهد بود .  
اما نکته لی که در این وضعیت خاص می باید به طور قطع  
مورد بررسی دقیق و نتیجه گیری فوری قرار گیرد جمع بندی  
عش الحبلی است که ما ایرانی های ساکن آمریکا می توانیم در  
برابر این سفری که هدف مای آن کاملاً آشکار است و به طور  
کلی در مواجهه با حوادثی از این دست نشان بد هم .  
امروز بیش از هر روز و بیش از هر وقت دیگری می توان  
احساس کرد که لزوم تشکیل کتبه لی از نمایندگان همه گسره -  
های ایوبنوسین برای یکپارچه کردن مبارزه در راه هدف مشهور  
برانداختن حکومت پارت و آتش و خون در ایران تا چه حد  
فویت دارد .

آنچه مسلم است روزافزون بودن تعداد ایرانیان است که  
در سراسر ایپا و آمریکا ، چه منفرد و چه متفکل ، به تسلائی  
در راه آزادی و انقاصی ما صحت ضد طری و چپا ولگران و نیکومآب  
رغم ایران می گویند .  
طبعی است که سازمان ما و گروه های زنده نی توانست  
در داخل صفوف خود از برخورد های فیزی و کراهی -  
های اعدالی و افراطی و در نهایت امر از انقباضات و حسی  
در باره لی موارد از برخورد های بسیار خصمانه میان جناح ها  
صوب بمانند و اصولاً گروهیکه انتظاری نیز از این نشانه بسی -  
بهره ماندن از واقع بیسی است - اما غطربانک ترین میزیسی -  
بهرگی از واقع بیسی آنجاست که ما به عنوان افرادی گسره  
بر اساس پیوند های محکم و منضبط فیزی و معنوی های صحت  
اتحادی در این یا آن گروه گرد هم آمده ایم حساب خود را  
با دیگران ببندیم . در مبارزه با رژیم موجود برای گروه های  
دیگر هیچ گروه کافی نقش " شمیم " و با شمارهای قابل  
قبول " مرگه از نایست برانست " و " مایم و لایق " مبارزینی  
را که در شرایط حاضر جز در فضای دیگروا کتبه تر جز بسا  
بهره گزینی از مجوسه امکانات و مقدرات ملی پیش می توانست  
رفت به مجوسه های برانگیزی . تبدیل کتبه که ناچار از تفهیم  
نیروی نهجی خرد کننده لی به پیوند آمده است و همکسی  
حصاری از تصببات گرد خود برافراشته است و سهم خود را از  
توابع و برتری قاطع تنها صرف دفاع از خود یا سنگداختن  
به استقامت تد افسی گروه دیگر می کند . و بدین ترتیب اجازه  
دهیم که در این میان ، آنچه فدا می شود - ناگزیر - خط  
آسیب پذیرتر چه " صوب باشد .

بدین شک همه افرادی که با یگانه اید و نولونیکه شخصسی  
ندارند در صفان فاضلیتی موجود در ایران را بر قابل تحمل  
و در ذات آن انسانی می دانند . و همه افرادی که گروه های  
مبارز ایوبنوسین را ( با سلبک ما و مباحثای فیزی مطاوع شکل  
داده اند متفقدند ، حق دارند ، می توانند ، و باید -  
بخوانند ، در نظراتی بسیار وسیع " قدرت بود " ایرانی را از  
ظهور نظر و ابتدال و وابسی مادیکی و اختناق سیاسی و اجتماعی  
جامعه خود نشان دهند و خشم خود را از عوامل نوظه کس  
که بکار دیگر و آن هم به طور طلی نسبت به حق حاکمیت ملی ما  
صورت می گرد . در شکلی گسره به ناپیش بگذارد .  
می دانیم که این چنین ناپیش می تواند ابعاد فزوق اعاده  
و انگاسی سخت هشدار دهنده داشته باشد . می دانیم که  
اگر همه افراد منضبط و همه گروه های سیاسی ( صرف نظر از  
شیوه ما و سلبقه ما و منتقدات مسلکی خود ) نیروهای خود را  
برای چنین ناپیشی یک کسه کند فرباد نرفت و اثرانی خود را  
این بار با انقباضی ندر وارد در سراسر جهان انگاسی خواهد  
داد - قابل انگار نیست که تنها اگر تعدادی از دم دست -  
ترین امکانات گروه های منضبط ایوبنوسین در این امر همکاری  
کند این نظرات سیاسی می تواند در آن واحد در سراسر  
آمریکا به اشکال مختلف متجلی شود ، اتفاق صوبی آمریکا کسان  
و جهانیان را به مصالحه کنشی که شاه و هیات حاکمه آمریکا با  
حیات سیاسی و اقتصادی مای کند بیشتر توجه دهد و در  
داخل کشور بزواکی بیدار کننده تر داشته باشد .

مبارزه در شرایط مختلف می تواند اشکال مختلف به خود  
بگیرد - تمیز بخشنامه لی " فقط فلان یا بهمان شکل مبارزه "  
نشانه " متأسفانه فزنگیزی است : همچنین تن زدن از شرکت  
در نظرات و ناپیشی های صغانی ، که ناگزیر می تواند به  
و مشقتی از ترک گفتن " موضعی دفاعی - غیر توده ای " حاصل  
شود . و تصور می کنم قبول این طیفه چندان دشوار نباشد که  
به هر حال ، نیروهای ایوبنوسین را ( بر هر مبانی فیزی که قرار  
داشته باشد ) برادران و خواهرانی شکل می دهند که مصروفیت  
و خطان تلخ را با هر سلول خود جمیده اند . نه ده انگاسی  
که به قصد تحصیل فکر یا انحصار حقوق شعیری به روی یکدیگر  
کنیده باشند . رژیم ناگزیر است برای استحکام مواضع خود  
هراز حندی یکی از نمایندگان ریز و درخت و چاق و لاغر خود  
را به این دیار و آن دیار بفرستد . یعنی هراز جندی فرصتی  
مطلوب پیش می آید که ما می توانیم با قدرت تمام و تشنگی قاطع  
ما صحت ضد ملی این حکومت دست نشانده را با ناپیشی نظامی  
ابراز کنیم . و متأسفانه هراز فرصتی دیگر را از کف می دهیم  
حسی برای آن ده از ما که ممکن است ابلهانه به انتظار ظهور  
معجزه لی نشسته باشیم نیز لزوم به یکسا گرد آمدن و به اطلاق  
دست به د با برداشتن و با در صورت نام به مصالحه رفتن مدفسی  
نی شود !

برای ضیت قاطع تر تشکیل کتبه انتلائی مبارزه مشخصه  
ناگزیر است!  
از جنجال و مناقشه به حل یکپارچه روی آیم!

آه اگر آزادی سرودی می خواند  
کوچک  
همچون گلوگه برنده لی ،  
هیچ کس با دیواری فرو ریخته برجای نمی ماند .  
سالیان بسیار زنی بایست  
در یافتن را  
که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی است  
که حضور انسان  
آبادانی است .

همچون زخمی  
همه عصر  
خوابه چکنده  
همچون زخمی  
همه عصر  
به دردی خشک تنیده ،  
به نغمه لی چشم بر جهان گشوده  
به نغمه از خود شونده . -

غیاب بزرگ چنین بود  
سرگذشت ویرانه چنین بود .

آه اگر آزادی سرودی می خواند  
کوچک  
کوچکتر حتی از گلوگه یکی برنده لی!

احمد شاملو  
۲/۱  
۱۹۷۷/۱/۲۱ ، ۲۰

# در دانشگاه ها چه میگذرد؟

## نامه اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به نخست وزیر

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران با کمال احترام اجازت می خواهم که با توجه به حرارت و سوانح که در سوسنات اخیر و خاصه ایام حاضر دانشگاه محیط آموختن شده و نتایج حاصل از آن ناسامان به واقع ناگوار و روز دوشنبه ۳۰ آبان ماه گذشته انجامیده است، ما حاضر آن جناب پناه وضع مناسب محیط زندگی علمی و وضع وقت بهر پیشه علمی جلب کردیم و نکاتی را از سر وظیفه و وجدان انسانی و آموزشی به آن مقام ضمیمه می گردانیم...

روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته طبق برنامه ای که قبلا از طرف دانشجو بیان دانشگاه صنعتی آریامهر برانگشت مطالبات آن دانشگاه اعلام شده بود، قرار بود که مجلس سخنرانی در تالار ورزش دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار شود. اما صبح روز دوشنبه سی ام آبان ماه اعلام گردید که سخنرانی به تعویق افتاد است و برگزار کنندگان مجلس سخنرانی چنین صلاح دیدند که از چند تن از هیئت مدیران و استادان دانشگاه با حضور تعدادی از

مطلب در موردی دانشگاه آریامهر طلب راه اطلاع ترکست کنندگان برسانند. به این حساب در عصر روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته سرکار خانم دکتر هماناطی و انتشار دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران همراه یکی از رؤسای خود آقای نعمت حیززاده به اتفاق دیگران در مقابل دانشگاه آریامهر واقع در خیابان آریامهر و حضور یافتند و بهر جهت اطلاع حاضران می رسانند و از آنها می خواهند که تفرقی نبود و آن دوشنبه با توجیب خوبی حاضر شدن به منزل ما دانشجو که در مراجعت در کمال محراب انتظار می رود و با وسیله ناهیه ایشان می بندد و جسی از گامیون هایمان می ریزد و ضمن نشان دادن ایشان به یکدیگر اطلاع میدهد و متعلقان، مشاورانها و آقای حیززاده را از توجیب بیرون کشیده و به شدت به تکرار تمام حقوق و مطالبات و سپس خانم ناطق را همراه آقای حیززاده و چند دانشجو می برد که دستگیر کرده بودند، در پشت توجیب جیبی قرار داده و به کلانتری ۱۸ واقع در خیابان تاج و در آنجا می آورند. در میان راه مأموران سخن توهمی و قضائی فراوان نسبت به دستگیر شدن خانم خطاب به دانشجویان می گویند که این استادان همان ها هستند که شمارای آرزودند. این گونه گفتگوهای ناشایست و درواز ادب را بسا جسی جبارت قضائی تمام می کنند تا آنجا که دانشجویان دستگیر شده در مقام معذرت و عرض خود یاد نسبت به خانم دکتر هماناطی بر می آورند. در کلانتری ۱۸ نیز پس از کاوشی که توسط مأموران کلانتری به عمل می آید، به خانم ناطق و آقای حیززاده اجازه خروج می دهند، شنبه تکلیفی می کنند که مأمورین نامی برای بردن آنان به منزل فراهم کرده ایم. در میان اثاث آقای دکتر باکد این مأمورین خانم ناطق را تلفیق می کنند تا کلانتری اجازه داده بودند که خانم ناطق از کلانتری به منزل بزنند و حضور خود را در کلانتری اطلاع بدهد و برای ملاقات خانم خود به کلانتری می آیند و سرانجام خانم خود را می گیرند. افسر مربوطه ناطق را در درگاه مشرفانها بر می خیزد و مقابل دانشگاه آریامهر خواهند برد تا بتوانند با انجمن علمی آقای حیززاده به منزل مراجعت کنند. بنا بر این ایشان راه آریامهر می روند و اضافه می کنند که شما حالا بروید و اینجاست توقف ندرید.

به مخرج آن که طالب درک تفرقی و در حضور مأموران کلانتری خانم دکتر هماناطی و آقای نعمت حیززاده در تالار سخنرانی کلانتری می نشینند، نامی مزبور پس از مختصری دوشیدن از کلانتری از مسیر اصلی خارج شده، در محراب ای واقع در درون تالار نواختنهای خیابان دوازدهم در هیئت تفرقی شامین می ایستد و گروهی که در خرابه ایستاده بودند و از جمله یکی از کسانی که در میان مأموران کلانتری دیده شده بود، همان خانم دکتر هماناطی و آقای نعمت حیززاده می افتند و ایشان راه شدت ضربه و حدودی می نمایند. در این حال در یکی از خانه های مقابل خرابه علمی با فریاد این که این زن رانهاست دهید، دیگر همسایگان راه نجه آتیبه در درون خرابه اتفاق می افتد، همسایری سازد و با فریاد کله خانم دکتر ناطق از خانه بیرون می ریزند. در همین اثنا شجا و زمین می کوبند و یکی از همسایگان به ندامت استی و

اخلاقی که هنوز آثار و بقایای زیادی در این سلطنت دارد، به کسب مخصوص نیمه بهیوشی آید و ایشان راه بیرون خانه می روند و به همت بسیاری آقای دکتر باق ساروقی استاد دانشگاه که در آن حوالی خانه دارند، طلب راه به منزل خانم دکتر ناطق می روند. آقای دکتر باکد این به آنجا مراجعه می کند و از طریق بهارستان آبان و آمبولانس که به بهارستان منور می فرستد، مخصوص راه به بهارستان می رسانند.

این است ماجرای تأسیس آوری که نه فقط برای هیئت مدیران این سرزمین دلبره آورست بلکه برای سر نوبت همگی افراد ملت ایران خیر نگران و نرس انگیز است. خاصه اگر این حادثه واقع شود به سرکار خانم دکتر هماناطی و انتشار دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران نماند این به اطلاع آن جناب برسانیم که این حادثه به شکلی دیگر برای چند تن دیگر از استادان دانشگاه تهران و آن هم در داخل محوطه دانشگاه، پیش آمده است و در واقع این نوع درگیری نه فقط چند تن در محدوده می شود بلکه تمامی واحد دانشگاه را در معرض تهدید و خطر قرار می دهد. حال آن که برخورد لری از اذیت فردی و بی احترامی است و توطئه است و طلق زندگی دینی است. آنچه در دانشگاه اتفاق می افتد اذیت فردی و جسی تمامی دانشگاهیان راه ملاحظه افکنده است...

از آنجا که اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران این واقعه و وقایع مشابه را تنها یک حادثه قدرانی نشانند، بلکه آن واقعه منزله رنگ خطری در فضای ایران خشکی می باشد، وظیفه خود می دانند تا بر طبق اصل مصلحت ختم فاسد اساسی که می گویند افراد از اذیت جان و مال و سکن و خرد مغفوف و صون از هر نوع تعرض مستند و مشرف احمدی نمی توان شد مگر به حکم و تفرقی که قوانین سلطنت تعیین می نماید. و اصل دراز در همان قانون که اظهار می دارد که اجرای هیچ مجازاتی نمی شود مگر به موجب قانون. متعزین این فعال می باشند و از آن بالاتر هر شکله حرمت معلم را دردم جبرتی به علم و فرهنگ و دین این سرزمین می دانند. زیرا روشن است که با اوضاع فعلی نه جدالی برای درس و تخصص و کتابت و حکمت و معرفت می ماند نه امید به حفظ نسبت و کسب سعادت انسانی می توان داشت...

آنها نه به خاطر همین ناخوار است که گفتن سالیانها در دانشگاه به صورت واقعی مصلحت طلبانده و آمران و مخریان همه مرتدان خود را برای تحصیل به خارج از کشور گسیل می دارند و غالب مردم با بازن و فرزند و کمال خود به کسب مالک بیکاری می روند؟ آنها چنین وضع حالی نمانند که سر باستانی ماست و آنها ضعیف است همین است. در حالی که همه اهتمام ما باید با همت و با همت و با همت صرف نگاه داری حیثیت ایران و مردم ایران و تاریخ و ادب و فرهنگ ایران باشد...

زندگی فرهنگی و ملی باید بر احترام و آوازه و دانش استوار باشد و محیط علم و دانش به صورت گنگی مفسد می آید. تصدیق می فرمایم که اگر در ساختن محیط دانشگاهها با اصلاح روشنت با موازین فرهنگی مورد تقبل، جویای شدن مذاقات و مشاورت نام دارد...

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران رنگهای خطور را بسا رویداد های که در محیط آموزشی ایران پیش آمده است، به ما می آورند. زندگی دانشگاهی، تفرقات و حرمت معلم که مانند استقلال سلطنت محلی بهت رنگتگتگ در ارد در شرایط است و به قدر شدن چنین حوادثی و ایجاد چنین بلوای ارسوسی گمانی که به طور قطع بغیر آرمانی بدون شناخت و مسئولیت، نشانه واقعی است بر این که راه را در گام کرده ایم و به براهه می رویم...

ملاحظاتی را بیان کردیم. البته بر آن جناب است که مصلحت توسعه کیه تا آنکار شود که بر سر دانشگاههای کشور چه می آید و آنها چه روزگار سپاه پنهانی دارند. شاید از همین طریق خواهی برای مشکل بحران آموزش سلطنت که اظهار می نمایم. تا بلکه بتوانید آن را در پایید و نجات دهید. هیئت علمی دانشگاه در انتظار اقدام حیرت و پاسخ عاجل شماست.

## نامه اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی تهران به نخست وزیر

از آنجایی که جامعه دانشگاه صنعتی آریامهر در سالهای اخیر و خاصه در هفته های گذشته لطافت بسیاری دیده است و این محیط فعال و خلاق علمی و آموزشی کشور به علت نداشتن امنیت شخصی و همچنین به سبب هتک حرمت معلم در چارنوبی و ترک شده است و در روند اصلاحات تحصیل افتاده است و ما اطلاع گذارنده زیر اعضای هیئت علمی این دانشگاه با توجه به اهمیت و رویداد های اخیر و خاصه واقعه روز دوشنبه ۳۰ آبان بر آن شده ایم که برابر وظیفه شخصی و ملی حیثیت نکات زیر را به اطلاع آن جناب برسانیم.

۱- خاداناه اعضا هیئت علمی دانشگاه تهران مسووع ۲/۱/۶۶ که به عنوان آن جناب نوشته شده است و مشخصه ای از آن به بهر دست تقدیر می گردد و مورد تأیید کامل ما می باشد. خاصه آن هست از نامه که مربوط به بروز واقعه ناگوار برای ما و دیگر هماتفاق دانشگاه تهران در شام ۳۰ آبان می شود. بروز این وقایع نتیجه مستقیم ناپدید کردن توصیه های هیئت علمی این دانشگاه در مورد ادامه برگزاری سخنرانی ها بود و نسبت به این مسئله نهد ما متعزیم.

۲- ضرب و محرم افراد و یک در کسوت معلومی به آموختن در این زمان فردای جامعه شمولند ضحیر به واقعه روز ۳۰ آبان نبوده و در جریان سالهای اخیر نیز به نفعات برای همه کشور خنجه چند تن از اعضا هیئت علمی این دانشگاه رخ داده است. انجام امر محرم آموختن بر سر خطه جفاقی و توهین به شرف انسانی و نفس سنت ها و حرمت فرهنگی این سرزمین که مصلحت و توفیق حرکت برای زنده و سازنده علمی و آموزشی را سبک کرده است، به هیچ وجه نمی تواند پایمانه های صنعتی کردن کشور و محیط علمی و کسب فرهنگ ملی تلقی باشد.

۳- همچنان که پیش از این نیزه کرات اعلام کرده ایم، اصلاح حرکتی ضرب و محرم نسبت به افراد و هتک حرمت معلم نماید و گرفتن آزادیهای دانشگاهی را نهد با حکوم و کسب و محرم است و خواستار رعایت یک و یکات اصول قانون اساسی می باشیم.

## اعتصاب نهمه ۸۰۰ دانشجو

### در کرمان

بشاز ۸۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه کرمان از روز ۲۶ آذرماه به عنوان اعتراض به بازداشت ۱۸ تن از استادان خود توسط ساواک اعتصاب با یکدیگر و بر طبقی را آغاز کردند. در دانشگاه هر روز به دانشگاه می آمدند و در صحن دانشگاه می نشستند و جسی هیچ گفت و گو و تخاصمی نداشتند و خواستند که جسی همدردی با استادان زندانی خود، مسئولان دانشگاه و اولیای دانشجو را داشته باشند. آنها در صحن بر یکدیگر یکی دوش از اعضای ساواکی کادر آموزشی را که سازمان دهنده و تنظیم کننده برنامه های پلیسی در دانشگاه هستند، خواستار بودند. سرانجام پس از روزی در برابر اراده جسی و خواستار دانشجویان متعزین ایران پناه بر میسر دانشگاه کرمان، با اعتصاب کنندگان ملاقات کرده آنها تمهید سیرود که خواست هایشان را با نظر مساعد مورد بررسی قرار دهد. با این فعل و نظمن اعتصاب دور روز بر بر میجان دانشگاه کرمان موقتا پایان پذیرفت.

\*\*\* برای مبارزه در راه آزادی زنده انبیا می ضحده شوم! \*\*\*

# جنبش‌ها و مسائل کارگری

## بازداشت و اخراج کارگران اعتصابی بنز خاور

به دنبال تهاجم گزاف‌های رژیم ضد کارگری به کارگران اعتصابی بنز خاور و غرب و ششم و هفتاد کارگران تهرانی و جازلیس کارخانه، اکنون خبری رسیده که ۷ الی ۸ تن از کارگران ریزنده توسط ساواک دستگیر و نزدیک به صد نفر اخراج شده‌اند. این رفتار در پیانه بار دیگر صیای کربه و دغلتگر رژیم آریامهرودگسه در سخن صهی حمایت از کارگران و در عمل دویم آنهاست و نشان داد. اعتصاب پرشور و یکپارچه کارگران بنز خاور و هجوم پرور خشانه عالی‌ترین به کارگران اعتصابی دست‌درزانی اتفاق افتاد که رژیم جنایتکار از طریق دستگاہ‌های بدووع برانگی خود تلاش در یافتن تهاجم و هتیمانه عوامل آشکارو نهیای خود را به احتیاج سلامت آسیر مردم در کاروانسراستی نظامی شامه‌دستی کارگران جلوه دهد. این مشت محکمی بود بردها باوه کوبان تهنیتی که می‌پندارند در فضای اهراب و تزویر و توان حقیقت را از مردم پنهان داشت.

## در دانشگاه تبریز

صبح اعتراض در دانشگاه تبریز سرانجام تبدیل به یک جنگ تن به تن بین پلیس ساواک ازبسی و دانشمندان آزادیخواه از سوی دیگر شد. دانشجویان این دانشگاه از ابتداء ای سال تحصیلی اسلام داشتند که خواهان بازگشایی انجمن هاونکایخانه هاونکایخانه که توسط ساواک تعطیل شده می‌باشند. اما به این خواست قانونی اکتفا نمی‌نمودند. دانشجویان دست به یک اعتصاب زدند اما پلیس در بد نشانه ماهران چاقی به دست ناه روبرو شد. دانشجویان برای نشان دادن اعتراض خود به اسب‌ورتن ۱۹ آذرماه هفتاد با هزاران دانشجو دانشگاههای ایران کلاس دربرو انجم کردند. این موج خفته صد افراد را در دانشگاه روز ۲۲ آذرماه باز گرفت. در این روز دانشجویان که با هزاران ضرات خوب و صافی و تنوع و شلاق ماهران رسمی و غیررسمی و بهرمانی فرار کرده بودند به مقاله نامه نامه گستاخ برخواستند. گزارش‌های رسیده حاکی است که در جریان این تیرود تن به تن و درصیپ ساواک یکسوت خصیص کار در دانشگاه خسود شده است. از طرفی براساس گزارش‌های رسیده در هبا دانشجو دستگیرند مانند که از سرزنش آنها هتیمانه اطلاع در دست نیست. گزارش سرنگان تهنه هتیمانه حاکی است که در روزهای اخیر دانشجویان و جمع زیاد از مردم مادی به طوری ناکهانی در بازار چها و دیابانهای شهر دست به تظاهرات زدند و طبعه مردم خفاف و ترور شاه شطربادند.

ساواک تیربروی مقاله با تهاجم هتیمانی مردم، همزمان با ساواک تهران طبق یک دستور کلی کدر سطح ایران ابلاغ شده نمود ادبی از طرف کارکنان نیز به زور همراه جسمی از باوران ساواک و شهروانی و اجاش شهرد در میدان شهرد لری تهنیز جمع کرد تا اعتراض مادی ضد اختیاری و ملی مردم را به اصطلاح محکوم کند. این نمایش مسخره با بی اهنای هتیمان روبرو شده و بعد از چند دقیقه همه پاروسوی طرفی شدند.

## کارگران اخراجی چاپخانه ۲۰ شهریور همچنان سرگردانند

اکنون بیش از دو ماه است که ۳۰ تن از کارگران چاپخانه ۲۰ شهریور که به دنبال اعتصاب پر شور یکپارچه ۲۰ شهریور کارگران این چاپخانه به دستور ساواک اخراج شدند و سرگردانی و بلا تکلیفی به سر می‌برند. هیچ سازمان و مرجعی حاضر نیست به وضع آنها رسیدگی کند. تنها پشتیبانی و همسنگی کارگران چاپخانه ها که با ایجاد صندوق دیگری از طریق اتحادیه خود به یاری کارگران اخراجی برخاسته به آنها دلگرمی و شور و بهشت. چراکه ساواک به همه چاپخانه ها دستور داده است از استخدام این کارگران جازلی و آگساده خود داری کند و اگر باری رضانه دیگر کارگران نبود، آنان مجبورا به تحمل فقری حاکمانه بودند. تشکیل صندوق دیگر و پشتیبانی و همسنگی مادی و معنوی با کارکنان اخراجی، نشانه ای از رشد آگاهی کارگران است و خود در شرایط ترور و اختیاری کرهیم به محیط کارگری تحصیل نموده، و در سایه آن می‌کوشند از هرگونه تشکل و همسنگی طبقاتی کارگران جلوگیری، بیرون بردنشان برای کارگران است. پشتیبانی هرچه گسترده تر کارگران ایران از کارکنان اخراجی چاپخانه ۲۰ شهریور می‌شود سرانجام رژیم را در این عقب نشینی خواهد کرد.

## اعتصاب در کارخانه ارج

اخیرا در کارخانه ارج کارگران دست به اعتصاب پررنگی زدند. اعتصاب از آنجا آغاز شد که کارفرما به کارگران اطلاع داد که به‌صورتی که به علت قطع برق کارخانه تعطیل شده بود، کارگران باید روز جمعه در کارخانه حاضر شده و کار کنند. اما کارگران به این تصمیم اعتراض کردند و گفتند قطع برق کارخانه به ما مربوط نیست و ما جمعه حاضر نمی‌شویم. در نتیجه اصرار کارگران دست از کار کشیده و به دنبال آغاز اعتصاب خواستهای دیگری را نیز در مورد افزایش دستمزدها و حدود سه ماهه مطرح کردند. بلافاصله ماوران صلصل به دست زانده ارجی به کارخانه سرانجام شدند اما کارگران علی‌رغم این تهدید به صلحانه راستخانه به اعتصاب ادامه دادند و سرانجام کارفرما در حضور نماینده وزارت کار از تصمیم خود صرف نظر کرد و روزی واکارخانه به علت قطع برق تعطیل شده بود به حساب روز کارگر گردانید.

## اعتصاب کارگران شرکت سی من ماه

چندی پیش کارگران رانندگان ترابریهای شرکت حمل و نقل "سی من پال" که به برادران پاک سیما تعلق دارد، دست به اعتصاب یکپارچه ای زدند. کارگران به هم پرداخت به موضوع حقوقی ناچیز خود اعتراض داشتند و همچنین خواهان افزایش دستمزدها بودند. کارگران در جلوی دفتر شرکت در خیابان توما احتجاج کردند و اعلام داشتند که تا وقتی به خواستهای ضروری آنها رسیدگی نشود از رفتن به سرکار خود داری خواهند کرد. کارفرمایان در برابر صف فشرده و عزم راسخ کارگران تسلیم شدند. و کارگران پیروزی خود را که نتیجه بگانه و تشکل شان بوده جشن گرفتند. شرکت حمل و نقل "سی من پال" که از شرکت های بزرگ حمل و نقل داخلی است، همسنگی تهاجمات سازمان تولیدی "انگا" وابسته به ارتش را به عهده دارد.

## اخراج ۴۰۰ تن از کارگران آب سردی تهران

اکنون نزدیک به دو ماه است که حال روز پهنه کارگری ۴۰۰ تن از کارگران تهرانی و صنعتکاران آب سردی تهران را می‌توانیم ضربه بهانه‌ای اخراج کرده‌اند. این کارگران هرگز به سازمان های مربوطه مراجعه می‌کنند تا تکلیفشان را روشن کنند اما تنها راهی برای تیری برین می‌کنند. برخی از این کارگران پیش از دست سابه کار دارند و این حال مستولان دولتی یعنی آنده که آن ها کارگران پنهانی هستند باید بهمانگر به کارشان رسیدگی کند و بهمانگر نیز آتیمار به سازمان های دولتی مذکور حواله می‌دهد. کارفرما وجود اسامی کسانی را در فهرست حقوقی بکوان که تنها سرمایه برای گرفتن حق بیکاری به سازمان مراجعه می‌کنند بهانه قرار داده و کارکنان زحمتکش را به بیکاری شیم کرده است. در حالی که کارگران به حق معتقدند این خود کارفرمایان و صاحبان صنایع دولتی هستند که انگوار خون مردم را می‌کشند و با بهره گیری از دسترنج کارکنان زحمتکش به بیکاری و تن پروری راه می‌دهند و بازو به دهنی و شوه ستانی اسامی بیکرها و طبلسی هارا در لیست حقوقی بکوان می‌گشایند. ماضی محکوم کردن این توطئه کثیف ضد کارگری، بازگشت کارکنان تهرانی و صنعتکاران سرگردان و پرداخت کامل دستمزدها اما تعلق آتیمار خواهان فراهم.

## گزارشی او

### دوب آهن مسلمانان

ازبیل آذربایجان طی پختنه ای تعطیلی روزهای پنجشنبه جزو تعطیلی هتیمانی کارکنان استان لغو شده است. کرچه سفر اول است با به این صلحات کارشناسی به کارکنان امانه نگریه دست شده اما این اقدام خود سرانه کارکنان دوب آهن را که به خاطر کس دستمزدها شان مجبورند غالباً روزی دو صلحت امانه کار کنند، به به خصیصاتی کرده است. با توجه به ساعت طولانی بین کارگاه و شهرک های محرف کارکنانش اطراف اینضیان که محل سکونت کارکنان دوب آهن است، کارکنان مجبورند پیش از سبده در ام خانه خارج شوند و در تاریکی نیمه های شب به خانه بازگردند و بدین ترتیب فرصتی برای دیدن خانواده و ویراختن به سافلی و گرفتاریهای فراوان خانوادگی ندارند. برخی از کارکنان هفت به هفته موقی به دیدن فرزند ان خود نمی‌شوند و اکنون لغسو تعطیلی روز پنجشنبه وضع زندگی کارکنان از این هم به ترشده است. و این همه در شرایطی است که جز پولی کارخانه هر روز غلیظ تر می‌شود و کار در خصوص کارخانه که در امانا با همسین در سطح کارخانه گردش می‌کنند به اندک بهانه ای کارکنان را به زسر با زبوی می‌کنند، این جو اختیاری را تشدید می‌کند. شدت بل بهره کشی از کارکنان نیز هرگز در دانه گسترده تری می‌باشد. از ازا سال جاری تاکنون نزدیک به چهار هزار نفر از کارکنان صنعتی می‌شکلند به خاطر کس دستمزدها و شرایط نامناسبی حاکم بر کارخانه استفا داده‌اند. در مقابل روسای کارخانه بهجای بهبوسه شرایط کار زندگی کارکنان به شیوه فانتسی تری خوسل شده به دستوران سازمان و درجه داران ارتش برای کار به کارخانه آورده اند تا محیطی سرخروزی کارکنان را هرچه بیشتر به مسلک اردو نگاه نظای تبدیل کنند.

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم برای سرنگونی رژیم شاه است!

## جنبش مسلمانان ایران

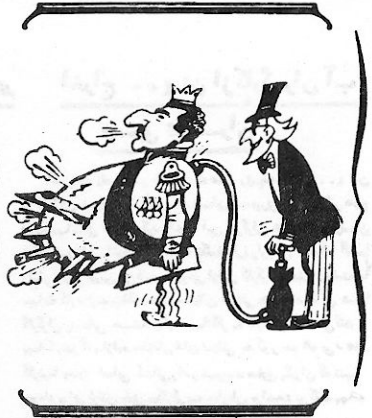
### همه نیروهای ضد دیکتاتوری را به اتحاد فرا می خوانند

جنبش مسلمانان ایران اخیراً اعلامیه‌های منتشر کرده که در آن ضمن تشریح نتایج خیانت بار سفر شاه به آمریکا و برسر بردن موارد خیانت‌ها و جنایات‌های به‌شمار رژیم شاه و افشا و محکوم کردن توطئه‌های اخیر رژیم و سیاست چماق آن " همه نیروهای اصیل و ضد دیکتاتوری " را به اتحاد دعوت میکند . در زیر خلاصه ای از این اعلامیه را که ناپیشگر گرایشهای دیکراتیک و ترقی خواهانه و نیز درک ضرورت اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم در جنبش مسلمانان مبارز و پیشرو ایران است میخوانید :

#### هموطنان عزیز :

سیاست رژیم پس از پایان سفر مفتضحانه و سراسر ننگ و خیانت و رسوائی شاه به آمریکا اینک وارد مرحله تازه‌ای شده است . شاه در حقیقت شکست خورده و مفتضح و رسواتر از پیش از این سفر بازگشت . اقدامات مذبحخانه ساواک و سفارت برای بسیج مزدوران شعار بدست به عنوان دانشجویان طر قار شاه نه فقط آبرویی برای رژیم تا همین نگرده بیشتر بلعشت رسوائی و آبرو ریزی سرد در ایران رژیم و شاه هم گشت . . . . .

برادران و خواهران ! شامهش از هر موقع دیگر رژیم خود را بر تزلزل و تنگنا میبندد هلاکیتش تراز گشته علیه مردم عمل میکند . روشنگری اقتصادی و سقوط دائمی و سریع تولیدات داخلی و ناراضیاتی روزافزون همه طبقات تحت استثمار و فشار رسوائی بیش از پیش رژیم نزد افکار عمومی جهان و رشد مقاصد داخلی و پایداری مبارزین و مجاهدین خلق پایه های تخت او را ریز به ریز سست تر میکند و بیشتر مبارزان . در مقابل این وضعیت دشوار رژیم وحشی توو محیل تو میشود . بنابراین مبارزین خلق ایران باید با هوشیاری و دقت بیشتر عمل کنند و تاکتیک های مبارزه خود را بر پیش صحیح و آگاهی از روشهای خدعه آمیز دشمن استوار سازند و با مقاومت و پایداری و نشان دادن قدرت متحد ملی تلاشهای مذبحخانه رژیم را بی اثر سازند . . . . . نباید اجازه دهیم رژیم قبل از اینکه اعتراض ملت و مبارزه عمومی مردم به مراحل پیشرفته تری برسد باز منحصاری و بکک نگرینک های خائفانه و با ایجاد افتقشاشهای مصنوعی و بیک سرکوب قبل از موقع دست باز در جهان بک بیرون وسیع به نیروهای مبارز را فرادام سازد . . . . . اتحاد همه جنبشهای مبارز و نیروهای مبارز اصیل و خد استبدادی ، ضرورت پیروزی در این مرحله از پیکار است . . . . . ما در این مرحله بار دیگر بروی ضرورت همبستگی و اتحاد همه نیروهای اصیل و ضد دیکتاتوری شاه و طالب آزادی تأکید کرده از روشپائیکه به تجزیه و تفرقه نیروها ضجر میشود باید شدیدا پرهیز شود . زیرا تجزیه و تفرقه نیروهای خد استبدادی نتیجه ای جز تضعیف جبهه مردم در برابر استبداد نداشته و به رژیم کک میکند تا با استفاده از این تفرقه نیروهای مبارز را به انزواگشاند و بیک بک سرکوب کند . . . . . ما همچنین موضع بی تفاوتی و سکوت آن دسته از مخالف روحانی را که مدعی مبارزه با رژیم بود مانند شایسته نی دانیم . در شرایط حاضر وظیفه همه نیروها و عناصر آزاد بخواه و مسلمان است که مسئولیت خود را درک کنند و بخصوص بر رویان مذحسی و روحانیون و مراجع است که مسئولیت حساس خود را در قبال عقیده و ایمان و ملت درک کنند و سهم خود را در تقویت جبهه مبارزه حق طلبانه مردم ایران برعهده گیرند و موضع شایسته خود را در این حرکت اشغال نمایند . . . . .



### تظاهرات خد رژیم در شهرها

به دنبال امواج خروش تظاهرات خد رژیم استبداد شاه که در هفته های اخیر بسیاری از شهرهای ایران را در بر گرفته اینک گزار شکران مهید " از گسترش مازهم بیشتر این تظاهرات خبر می دهند .

در آستانه ۱۶ آگرمه ( روز حماسه دانشگاه ) در منطقه نارنگ تهران امواج گسترده ای از مردم بعنوان اعتراض به وحشیگری های رژیم نسبت به دانشجویان آزاد بخواه به راه پیمایی آرام را بر گزار کرده . در حوالی میدان هفت حریف میجامحسین گارد شهرتانی متحصن را محاصره و گند اماشات و آزارش مردم بهانه نیامح به گزافهائی دهد و امکان اد امگرم تظاهرات فراهم می آید و چندین از مبارز به پیمان به ترتیب طی سخنانی به سخنانی ها و هتیمت ها و رژیم علیه جوانان و دانشجویان محسین پوست اعتراض می کنند .

شب ۱۷ آگرمه مدعا و جوانان ساری به عنوان اعتراض به اقدامات استعنائی رژیم علیه جنبش دانشجوئی به شایسته ویز دانشجو ( ۱۶ آگرمه ) در خیابانهای ساری به راه یافته و علیه رژیم دیکتاتوری شماری دهند . تظاهرات پر شور جوانان بسا محوم ما حوران پلیس ساواک و دستکاری عده ای از آنها روبرو می شود . از سر نوشت دستگیر شدگان اعلامی در دست نیست . شب ۲۶ آگرمه نیز در هسا نر از همین پرستان در منزل به راه یافته و علیه رژیم استعنائی رسماً علیه ملی و خد مردم آن شمار می دهند و بکدا آزادی محسین را از زند جباران وطن فروش و استار می شوند و پیش از آن که ما حوران پلیس انگسار مذاخله و نیامح بیابند به موقع پراکنده می شوند .

### توطئه رژیم برای

### بازداشت و تبعید روحانیون آزاد بخوا

رژیم هر روز در انه سیاست نیامح و راهب و سرکوبی افزایش قرار میدهد ۱۲ تن از روحانیون آزاد بخواه که در هفته ها و ماههای اخیر به طریق مخالفت خود را با رژیم ترور و اختسای اعلام کرده و بانگ اعتراض خود را در مساجد و محافل مذهبی بلند کرده اند . نمونه ای از ظاهر این سیاست است . محسینهای رسیده حاکی است که رژیم تا کنون تنها موفق به دستگیری آیتالله خدملانی در قم شده است و مردم دیگر روحانیون مبارز را از دستر پلیس درنده شاه دور کرده اند .

### اعتصاب فرهنگیان تهریز

روز دوشنبه ۱۳ آگرمه فرهنگیان تهریز در مقابل ساختمان وزارت آمد زش و پرورش اعتراض کرده و خواستار افزایش حقوقی و سایر مزایای خود شدند که در پیش آمو زش و پرورش تهریز بیادنامه در محل حاضر با فرهنگیان درباره خواسته های آنان مذاکره کرد و در پایان گفت شمسار کار خود بر وجه ما خواست های شما را بر آورده می کنم .

# نویسند

(وابسته به حزب سوده ایمران)

شماره ۱۴ - خنجه ۱۷ دیماه ۱۳۵۱

تحلیلی از آشوب‌های اخیر و محرک‌ها و هدف‌های آن ...

## چه کسی سنگ می اندازد؟



درجه‌های سپه‌به سپه شنبه ششم دیماه حسرتی وارد خوابگاه دختران دانشمندی شود. چراغ‌ها را روشن می‌کند و با سرودن و های و هوئی مدتی دست‌ها را از خواب بیدار می‌کند و هوشی چشم‌آل‌ها در هلال با نغمی کبیده، شنبه ششم را می‌شنود، می‌زهرها را واژگی می‌سازد و شمارهای هندسی و هندسه دفتر خوابگاه راه هم می‌ریزد و آنگاه به انتظار می‌ایستد ... در لایحی بعد ماهوران گرد دانشگاه در آن دوران سر می‌روند، به‌همام ناشناس‌ها کسان کسان با خود می‌برند و در این حال او را نیز به‌ارمان دشمنان و توکل انواع تهدید می‌گیرند. دانشمندان خواب‌آلود و باحیرت ناظر این صحنه می‌مانند. چندی از دختران دانشجو از سر کجکوی به‌سمت دنبال ماهوران و به‌همام دستگیر شده می‌روند. در محوطه نازبله جلوی خوابگاه ماهوران به خیال این‌که کسی حراطم آنها نیست دست از گریبان به‌همام بر می‌دارند و همه باهم شروع به خنده می‌کنند. یکی از گاردیها از جوان می‌پرسد:

از روی طبعیات کنارفته و گردباد آزادی در لایحی بولتن‌های دولتی که نام روزنامه را لکه در کرده اند، می‌بینند گرفته است! چگونه است که خبر شکست شنبه کلا در دسترس نیست و دانشمندی استثنای نگرانی‌های اراک با سنگ انداختن به پله شمشیر بانک صادرات، باحرف‌های جاق و جله با شایع هرگز روزنامه‌ها نقشی بلند و اما خبر انصاف ۲۰۰۰ کارگر کارخانه‌های بنزخاور و بیوزمانه‌دارم‌های شاه به کارگران انصافی و اخسراج دست‌حسبی آنها بازداشت‌شده‌ها نشان، حتی یکی دو سطر ناقابل از سخن‌های پرمایه و پرفیضانه‌ها! اشتغال نمی‌کند! چه روی داده که خبر شکست شدن شنبه‌های یک کلا سرارزش‌ها حتی بیشتر از خبر طعمیان‌های درین ارزش‌ها بازداشت‌گرونی از ایمران و درجه‌داران وحشی صاحب‌ضمایان ارشد نظامی کسب کرده است! چرا ایمران‌نامه؟! طاقی و شمت و چهار و یکم و در کشتی به لوانج حیرت‌ناهی جدید و در کشتی و مسلطه ساراک بر فرقا ضایعه و ارباب و اخراج این فئات تیره و آزاد باز و در اسراها در هیچ حیرت‌ناهی دیده نمی‌کند، به‌تظاهرات و اشتغالی و نشانگر توده‌های مردم در صحنه شده و چند صد نفری در خیابان‌های تهران و بسیاری از شهرها در روزهای هزاره‌ای و عاشورا به سخن‌گفتن می‌شود، اصطلاحات تپنده به اصطلاح "دانشجو" نظر روزنامه‌های گرد و در نظر بعضی و وارد روی دولتی باطل و تفصیل بازرگی می‌شود؟

خوب همه چیز را به هم ریختی؟  
جوان به علامت تصدیق سر تکان می‌دهد. یکی دیگر از گاردیها با لحن دست‌نهاد می‌پرسد: کی که؟  
برهم دفتر به جای باهم بخوریم ...

حادثه فوق که جزئیات آن از طرف چند شاهد صحنی نقل شده در چهار روزنامه صبح و عصر کشور، به‌بایک اشاره و بعد، صفا چنین شکر می‌دهد:

در صبح ۲ با باد ۱۰/۶/۲۶ یکی از دانشمندان دانشگاه علوم ساکن کوی دانشگاه با شکستن شیشه در ورودی یکی از خوابگاه‌های دختران واقع در راه آبراد وارد خوابگاه شد و پس از قطع سیم تلفن و آیفون، چند جام از شیشه‌های خوابگاه را شکست و سیریلند فسر سیرستی کوی مراجع و در حال شکستن وسایل موجود در دفتر، توسط ماهوران گرد دانشگاه دستگیر و چون هنگام شکستن شیشه‌ها زخمی شده بود، در بیمارستان بستری گردید.

این حادثه چه معنی می‌دهد؟ واضح است: رژیم آشوب‌خیزی به راه می‌اندازد، بحادثه آفرینی می‌کند، زینام دانشجو شنبه‌ها و پشمه‌ها را یکبار سوار دانشخانه‌ها را می‌شکند و به پاشیا و سانس‌های خصوصی می‌پوشد و ماهوران نظایر او را بیدار دارد تا در شاهراه ایرونی می‌جست و شناور و راه‌اندازی کوی دانشگاه تهران را شوق‌کننده او را به کتبی می‌گیرند و آنگاه در روزنامه‌های دست‌آورد زین‌بهار است که می‌بینی می‌کند که می‌باید حشوری شده، در دانشجو بوده اند ...

و همین‌ان که همه این صحنه‌ها با سببها و طعمیان‌های دست‌نهاد در روزنامه‌های ساراک زده که از طرف سانسور و خفای سانسور کرده اند و ما آنچه خوب‌نالی می‌شود (البته در همه روزنامه‌ها می‌باید اشاره و به‌من گفته‌ای!)

آیا چاپ‌های هم‌حیرت‌ناهی و در دست از حشور می‌کند که چنانچه می‌بینی کمتر سینه می‌آید. آن که به حیرت‌ناهی می‌باید، به خودی خود شکست‌ناک نیست؟ غلبه به مرحمت جلا در نامدار شیخ سانسور

## تهران، پایتخت توطئه جهانی

در لایحی خورواها نطق و ستایش و ریزگی‌های دیوانه‌انگیزه بچیده شده بود، به‌توجه به رابطه هر یک از این می‌باید سرشناس‌ها بحران‌ها و مسائل خطفای و صحنی می‌توان به اهدای و صلح نه‌الزات چند حاشیه تهران می‌برد. نه‌الزات سری "زبان‌بله" با شاه پس از آمدن کارگر و گفت‌وگوهایی خصوصی روسی چند هفته‌ها او، به‌طور غیر مستقیم در صاحب‌طبع‌های شاه شکر می‌کند. شاه در این صاحب‌طبع‌ها به دولت انقلابی استوری که در کور به‌سنگ جنگ و صبح تدافعی استنظار کرد: "ماهی توابعیم نسبت به تجار و به‌روزهای می‌باید بی تفاوت باشیم". در این حلقه کوتاه صهاره نای چشم‌گش از تمام و صلحی او از سینه آنگه از تمام حلقه با همکاری امپریالیسم بانکی برای مردم شکستن طاقت‌خلاق مبارزات خصوصی چند ماست، نمایان شد. استوری، به‌مناسبت موضوع مهم استراتژی آن در فریضه و کنترل طبیعی اش بر آبراه‌های سحر، در صورتیکه انقلاب بطی و در کارخانه و صد امپریالیستی به صورت خرابی در چشم امپریالیسم جهانی و ارتجاع مدلی، به‌روز ارتجاع و بر آمده است. از امپریالیسم امپریالیست، تاچین‌ها زده و صحر و سودان و بیستان سعودی و بین‌النهرین و سوسیالیسم و از چندی پیش شاه ایران، برای محو ضلع‌های این انقلاب می‌کند، به‌توجه در همان آزاد شده و کارگران روشنگران شهر و روشنگران تکه در دست در دست‌نهاد اند. در حالی که سرازان سودانی و ارتش‌سوالی طفا و مستقیماً در داخل‌های استوری (افزای در فریضه و روسی در صورتیکه کارکن) در سرگرم می‌کنند اند استنظار شاه ایران به دولت انقلابی استوری که هیچ اختلا

**تفسیری پیرامون سفر زیاد باره**  
**طک حسین مکارتر و نیز مسافرت**  
**پنهانی موشه‌ایان به تهران ...**

تهران در هفته گذشته پایتخت توطئه‌های جهانی و نظمه کره سیاست‌های امپریالیستی و ارتجاعی در منطقه بود. سفرها همین‌ان زیاد باره، رئیس جمهوری اسرائیل، ملک حسین، پادشاه اردن، و صبی گزرتز رئیس جمهوری آمریکا و سحر و سرود ای موشه‌هایان و زلات سری ارباب‌ها که در نهایتاً منتفا صورت گرفت، و سپس سفر زینوا خیا‌الحق، برده‌گردان حیان مرتجع پاکستان، ازنده‌ان توطئه‌ها و زمانی‌های ناسا لم و سو، ظن انگیزی غیر می‌دهد. در حالی که سفر موشه‌هایان که در ایسرو لندن در گفتار شب ۲ دیماه از آن‌ها برده برداشت، به‌سکوت‌گامی و منت‌نمائی محافظ‌رسی ایران روپوشد، در باره انگیزه‌های نتایج: ایسرو سفر دیگر همین‌ان می‌باید نیز جز تملیقات ترمسی و به‌مناسبت‌های و به‌مناسبت و در افلاجه‌های روسی طلبی زیاد و منتظر نشد. از لخل حسین که ما در موضوعات جنجالی که

### چه کسی سنگ می اندازد ؟

پایخ این جرمها و دهنها نظر آن دستاورست . تنها اخباری جواز مرده به روزنامه ها و نیز کنترل سالها را کسی کند که در خدمت نهادهای صیانت های ضد مردمی او در آید . دستگیر انباری که از اعضای سانسور می گردند ، چنان سخ و نیز و رو می شوند ، چنان تخریب یافته و دهنه ، که لباس گدایی مطرفی سانسور برتن آنها خوش فراره بایستد .

فراوانی تنگنیم که وسایل ارتباط جمعی ، حتی در دیکتاتورترین حالتها سرمایه داری و در نهایت سرود سرور سرمایه داران و تخریب آنها همان طوطی است که ارباب هدرتکانه پانینان و صاحبان نظم طبقاتی و مردمی آنها میزند . در کشورهای نظیر ایران که در زیر سایه دیکتاتور و سانسور استبدادند ، روزنامه ها حتی مجوز و طرفت حفظ ظاهر را هم ندارند . دلگه های و شکنجای هستند که رفقای دیکتاتور را فرقه می کنند و کلمات را که رسوایان حقیقت اند ، به روسی های حلقه و سخنه ای بدل می سازند که باید برای دیکتاتور مشوه گری و خوشترشی کند ، همیز و تفسیر بگوید و بدیه بماند .

درین سرمایه داری ها شناخته شده است که هرسان اندک هزینه از خود می برد که ضد و غرض رژیم از انتشار این حد خوب است و دروغ و معیوب و مجرم و شسته نکشتن و خراب کردن چیست ؟ آفرسازان آن قدر خورساک کن حتی راهی می . بی . بی . بی . لند ، با پوزیشن و تردید از آن پاد می کند . راهی نشدن در گفتار فارسی شب هفتاد دیده گفت :

« این اشغال را نباید انجام بد که انضباط بحی و در مرکز کمونیسم ایران انگلیسی انمن ایران و امریکاییها انجام نداده تا به رئیس جمهور امریکا خطر آن را کمینزد کند که از این بار و خوجه او است . »

راهی نشدن این برداشت را با صیحه این ننگه برنگش می کند :

« گروههای وادیکتاتور در ایران در طول سال جاری از دست زدن به اعمال خشونت آخیز خودداری کرده اند . »

سوال آن اگر دیکتاتور آنچه به نظر گذارد ؟ در سخت این بلوهای کاتب ، این صحنه سازها می جابجا میباشند که ساختن از خرد گامهای برانگنده ، چه نمایش و توطئه های تدارک دیده می شود ؟

به راه انداختن آتو بهای خصمی و ایجاد محیط خصمی و در جو سختترین کتین های مخالفان لوت کردن هدی و خواست های اصولی مبارزان و محاندان رژیم طلفه بروی دیگر سیاست جهانی و ارباب است که در سرطانه شماره گشته نهاد به افتخار جوانی از آن برداریم .

سیاست ایجاد بلوهای خصمی و تخریب ماجراجوی طلفه چند گانه ای را تمهیدی کند که اهم آن به شرح زیر است :

- ۱- انحراف مبارزه ضلطنی به صخر خرد گری و جابجایی .
- ۲- لوت کردن هدفهای مخالفان و مبارزان بر سرپایر توده های مردم ایران و افکار صحنی جهان .
- ۳- برده پزنی افتراهای و طغیانهای مبارزات اصلی صف ها ، قشرها و گروههای طبقات مختلف اجتماعی .
- ۴- تظاهر به وجود آزادیهای اجتماعی و خلقی و فقدان سانسور .
- ۵- ترساندن عناصر رهبرهای ناراضی و گه ضد سرمایه داران و گروههای دوازدهم تشریف بهم .
- ۶- کد و گاو و شناخت دقیق هر یک از جنبه های این سیاست شارلاتانی و ضد خلقی طراد افشای هر چه وسیع تر آن بساری می دهد .

### انحراف مبارزه ضلطنی به صخر خرد گری و ماجراجویی

حینتر طی دو دیکتاتور ایران ، بهر از سالها سردرگسی ، انحراف ، نشت ، برانگش و تخریب های سنگین و ناگام ، سرانجام در عده ترین گردنهای آن راه درست وطنی مبارزه را یافته است . فائق آمدن جنبش و انحرافات راست و چپ که سال های طولانی بلات نفع نشدن انرژی انقلابی و تحلیل بنیه جنبش و ضعف و همره به پیروی آن شده بود ، براد را برای اتحاد مسلم نیروها ، همکاری عناصر و نمایندگان قشرها و طبقات گوناگون اجتماعی در یک جبهه ضد دیکتاتوری نمود . این تحول بسیار درین رشت تظاهراتی درونی جامعه ما ، بهرین شکل نظریه ها و حوله از یک سو و روشنگری و انقلاب سیاسی و اقصای و

اجتماعی وادیکتاتور هم از سوی دیگر در در . در حال و هوای صدهم جهانی که گرایشها گوناگون و سواد نیروهای سوسیالیسم و صلح و بهرطرف اجتماعی است ، شرایط لازم برای برپیدن نظر طر دارد است و دیکتاتور فراموش کرده است . رژیم به کم خود بساری پیشگیری از این تفسیر نیاز دارند آینه به حق به دست و پا افتاده است ، این گوشه تا جنبش را به پراخه بکشود هدف های انحرافی یا حداقل رفی راه های هدفهای با انانگه اصلی و اصولی نباشد . این ضد با جان میدن در کالبد روه انضباط شیوه های پاره پاره مبارزه و تخریب عناصر ناگام تر جنبش به ماجراجویی و سرود گریهای بچکانه و شایسته و انگیز پذیر است . رژیم سارلاتونی و بی داند که نکشتن شسته هسی و گداری و با سبکباران مبارزه ها و سیاست خصوصی و دولتی و آتش زدن اثر بر سر دانشگاه مبارزه سیاسی نیست . با این حواد هم ضد ها نظیر آن حتی خرافاتی بر تن رژیم که مباحثه گدای فری و اهرامهای نظارت اجتماعی را در دست دارد ، نمی افتد . چه پسر ( برای رژیم ) که حاذق به قری و احساساتی این ماجراجویی ها اندیشه و حرکت و جهت طلبانه و شکل گیریهای مخالف و سوگوم به کام و منطقی آنها خسته در کند و از برای این نیروهای بالبو جنبش را همان خرد گریها - در دست بر کوفتم و این حرکتها هسی و زمان بخرشود گدانه - وادان آن تشریف ناپید . حلقه در این دسیسه به شاه زدن در هدی با یک تیر است . هم توجه سستی از نیروهای عاطفی تر ، شناختگر و کم آگاه جنبشی به جای شکل مریک حبه واحد و پشرد و فرار گرفتن مریک سازمان سیاسی و درنگ به اشتباه و سنجیده ، بی نغوشه سیاه فرستاده می شود ، هم بهانه و دستاویز طلایی برای محسوس و دخالت و هجوم و حدان در این پایش محتلاوی قانون و نظم و دفاع از موازین اجتماعی ، تراننده می شود .

### ۲- لوت کردن هدفهای مبارزان . . .

شرایطی ایجاد نمای نیروهای مخالف رژیم دیکتاتور در هر روز پیش از پیش ترمیم می گردود و در این گستره ، حرکت هسی آهسته ، اما ای رفته در به هم بودن نیروهای مختلف تحلیلی می باید . شملر اتحاد همه نیروهای ضد سلطنت طلبه جانیه فرایند ای می باید و اقبال این گردیده قشرها و گروههای طبقات مختلف از این شملر صحره را برپشته شاهان ننگ تر می کند . سارک در این حال بر آست که مابین قشرها می سنجیده و این حرکتها می دردی و قابل درک را با احاطه گری برای جورا جور و حتمال های کاد و نهیها ممتد فری بر خاسته باشد اما بر ریشه و لمس مال گد و همه مخالفان خود را بر این انضباط مردم به یک جوب برانده و بین ایندو کند که به پایه جنبش سیاسی فشرده و مخالف که به پراخه سیاسی محافل و ضلطنی شکسی است ، بلکه باید ششدهای عام و طلایی و تند و تیز در پوست که به های حرف زدن حله می کند و منطقی آنها سنگ کوفتم و نمره های خشم آگن است . مویض در ترمیم و اضمحلال به این شکل درآمده ، به رژیم شکسته و آبرو یافته مجال می دهد تا در برابر انگار صحری جهان نیز که صحره را بر تکرارهای می سترلیت و سیمان ارتش گرد ماست ، خو سس را از خود دست و پا کند و قیاده حق به جانب بگرد .

ماجراجویی و جباروری و آلتاریسم ، هرگز باطنی نبرد ، صیا سازگار نیست . رژیم شاه - سواک و مصادف با تمهید بازیها که به است با جوان خود با عناصر فرستاده و کم آگاه درین جنبه خلطی به راه می اندازد و لباس آلتاریسم را به تن مبارزان بیوشانده و سپر هرج و مرج طلایی بر پیشانی آنها میزند . با این نشانه ها به گمان او مردم از مبارزان فاصله می گردند و این جدایی بیخوش دیوالت .

### ۳- پرده پزنی افتراهای و مبارزات اصولی . . .

تظاهرات خیابانی و افتراهای دست جمعی ، محله به محله ، اشکال مختلف به مباحث و سخنرانیها و محاسن و صخره به پیسر رژیم و ستیزهای صحنی و مبارزات انضباطی و ابراز انضباط و انزجار توده های و افتخار های سیاسی ، در ظاهر متنوع و در شرایط جامعه شاه زده و بهرانی ما امری طبیعی است که از این پس شاهد گسترش پزنی گری آن خواهیم بود . این جلوه های گریس گین مبارزاتی در صورتی که از تاشیک های طلی و صحیح و کفصیا جنبش صحری خلقی برپوری کند ، جالبه های آن چون شده پیامده شود ، وسیله مناسبی برای به انزوا کشیدن شاه - سواک و رسوایی رژیم آنها و باری در این به مبارزان حبه واحد است . رژیم که با این افتراهای و حلا ت هص حانه و پاننده و پرورسته

بالموادهای صحنی به روی این حرکت های انقلابی و ترویج برده می کند . اینجا نقطه صحت از لوت کردن شملرها و هدفهای مخالفان نیست ؛ رژیم به کم خود حسی در شیوه ها و ناگشک های مبارزه پزنی و سرودگری وارده می کند و میزد بین آلتاریسم با مبارزه صحری ، آتو ب و انتقامجو و با تفراتر حله سیاسی و مردمی می شکند . گری و اگر مبارزان هوشیار نباشند خصم حلیت گری توانند با خیمه شب بازی های ساختگی ، پندر سو تظاهر و تردید و بدیهی و سو ، طن را بیاهند و قشرهای ناگام تر را در تشخص بین حرکت های طلی و افتراهای توده ای و سیاسی بسا آتو ب های کاد و دجلر سرگشکند .

### ۴- تظاهر به وجود آزادیهای اجتماعی و مطبوعاتی . . .

رژیم با تاشیک حادثه آفرینی ها و صرح صرح های دلفروا خود در وسایل ارتباط جمعی نیز گرفتن بیوغ سواک ، می خرد در صحن حال به دیکتاتور و وجود آزادیهای مطبوعاتی و انتشار برکتور ظاهر کند . در شرایط جهانی که حتی اروپا با تمام دستن خلق ها با همه روسیهای خود ، صحری حقیقی خرد شده و برای لغاده نسی حیثیت برادرفته ، زیر هوای آزادیخواهی و احترام به حقیق انسانی ، همه ی زید رژیم سو با چه ننگنا افتاده ای نظیر شاه - سواک ، ناگزیر به ترک پاره ای از شیوه های عریان و مستقیم ترور و ارباب و نشوت و تظاهر و زینسین دیکتاتورانه است .

صحرای عده صرا ما که در سرمایه داری به سوسیالیسم انضباط آگاهی در فضای دنیای و تحمیل منتهی سلامت آخیز به لحاظ ترین وجوه تشریف مخالف و سالک امیر با لیبسی است . در این فضای در حال انبساط و شکست ریزان و زده ، تشیع زردی به صخره پیوند برگشت ناپذیری برانگنده و سرودگری آن سلاح های گدانه امپریالیستی و آگین های هدی دیکتاتور و خود گدایی که تنها دیگر هدیه نیست ، که خطر ناه است . امپریالیسم جهانی برادره این خط می کشد ، روه های ضد بشری و ترا جگرگرفته و لرنجانی خورا خشک با تریابط جدید ، با اسلوب ناشناخته تر و به ظاهر مطبوع تر بهر میگرد . سیاست های شیوخ و ربا خورهای بیخون تر و در زیر نگاه هسی و بیشتر افعال ناپید . سیاست صحری به سیه امریکایی آن ، فرزند ناشیر چون حریف نیست . به سیه ای تاشیر تاشیک های امپریالیسم در پیته جهانی نمی تواند در رفتار و اصول نوجه ها و دست پروردگان و کاشنگان آن که ایران پهلوی در مکی از آنکاست ، با تاپانه اشته باشد . چنین است که شدت های آهسی و کفشته به خون به ناگهان در دستکش خشنی برپوشیده می شود ، برهم در گفتار طرفدار دیکتاتور از معنی بر می رود و اصلا حاتی اگر چه جنی و ناچیز کم رنگ ، در زندانها و در سلوک و مابین در برخورد با مخالفان و غیره طاهری شود . حال که رژیم صیوراست تظاهر به دستگیری آزادی گدانه حال که چنین تبلیغاتی برای رنگ و رو بخشد ، به چهره صحری آذمطوری که فضاک و وزید را روپوشه کرده ، لازم است چه بهتر که صخره راه جای صدف و کلاهی بخارابه های کالسی و نصیب و اضمحلا برضه کند . آری ، سواک صخرهای دست چسبند ساخته و پرداخته خورخورد روزنامه های گد خند چاپ می کند تا از با بت وجود آزادیهای مطبوعاتی و انتشاراتی هم در بازار قاری ، تمدن بزرگ ، شاهانه چیزی کم بگر نباشد .

### ۵- ترساندن عناصر ناراضی

درون رژیم

استبداد مطلق از دیدگاه اقتصادی ، مطلوبترین شرایط برای غارت می روه یکم در در سرمایه داران کلا ، اقتدار راسته و ضد آن ، و بزرگ مالک لرشی و بهر از لوت کیر امروزم آزرده است . آنان بهر کفصیا انتقالی ایران و استفسار کارگران و زحمتکاران را به بالاترین درجه و دست زده های مبارزاتی آنها به تا بل ترین سطح رسانده اند . سرپوشنده های که آنها به اقصای حوصیت جامعه به زحمتکاران عرضه می دارند و صدهم تشریف و کم ستورترین و ناپذیری تشریف نوب آن است . این تازمیرتار با برخورداری وسیع از محاصبت های گریکی و تخریب ای با پیوره گرفتن کلاهی از جمعی کوشین برای درهم نکشتن انتقامی و افتراهای و توطئه های حد گزگری ، مانده اند ، انگشتن حقیق سینه گدایی و صحنی را صخره گری صخره صخره ، مانده بین وصال با صیابه مطروا و آگین ناه های اثار بلر ضد خلقی انقلابی



### تهران - با یغمت توپله جهانی

ضایق و نضاد بر بخورد بی مردم ایران ندارد و تنها به دفاع حریف از مرزهای خود در برابر تجاوزات خارجی پرداخته است و به جز زینه جینی برای شدت بخشیدن و گسترش دامنه این تجاوز و دفعه و روشنی بیشتر روشنی تو ایران در این نهانجیکتیه چه معنی بی دهه ؟

"زباد باره" برای طلب گنه های بیشتر نظامی وائی ایران به زیارت حلا در خلق های ایران که سعی سیاست متغی ملی است آمده بود . رئیس جمهور بی اصطلاح " مدافع حقوق شراومگا " که بی داند پس از شکست های بی سزاگنده و طاقت فرمای خنده ویدین ایربادیکر درت ابط جدیده تناسب نیروها در جهان قادر به شرکت مستقیم در بی جنگ بزرگ نیازیگرانگانه نیست . برای بهره خود ، یعنی آزماهمر که بسته ایربادیکم جراع سیز روشنی کرد . چه بتر که باحی حواسان ایرانی با پول و امانات این مردم که باید صرف رزاه زونی بنهادر آنان شود ، خراب ها و انظرفیات ضد ایربادیکتی در هم گرییده شود . تجربه شمار بی دهسان ایربانیم مزه کرده است . سیاست نظادیکری اصرارگشته با شکل روزنی خود چاره ای بی خطر کردن ها و زگرگری های نظامی جدید که استه در مدت استخرنژوم جهانی ایربانیم دشمن خلقی هاست ، ندارد . سه شرایط باقاره و حینی بی نیازی جدیده بی ازیانیم

ایرانیان به ب صورت ضرورتی حامی صحتی بی آمده است . باید اختلافات و مسائل سطحی تروامل گرد تا اوقه ده فزاینده انقلاب و مبارزات حقیقی طبقاتی و جنبشی های داشته دار دیگرانیک نینگره نیود . درشالوده این دریافت است که نیروهای ارتجاعی حریفه سرداری از مرزهای این ایستخانی شمال ایربانیم جهانی در آمد و ایجاد حبیبه متحدی از گسترهای ارتجاعی خطه وصل و فصل نفوی بحران به هر قسمتی که شده ، برآگه اند . شاه ایران در این میان نقش لال و پالانته از ارایی بی گند . وعده های تطبیحی ایربانیم از حیب فریاح رضایی عربستان سعودی و شاه ایران که دلارهای نقدی را نه در خدمت صالح ملت های خود بلکه در سر ضایق ایربانیم و ارتجاع به کارگرفته اند و در این مردم بندی و بی روحی بطرفه بحران خایروسانه نقش برآورد از ابا این تلا شیا با همه گستردگی وحدت آن در مرحله گازبین خینی با شکست و ضافت رسیور شده است . بی اکران سه مانعیه تهران که با حیدر مستقیم یاسه اسرائیل ایداع لاکرت منحرفیه کنایش این بی بست ریورریساندن به سیاست متغی و تسلیم طبقاتی ایربانیم که در شوم ناگهی و رونیکنی ناچار است ،

سفر قریب التوق شاه به صع که تاریخ آریرا رادیوهای بی بی سی و کلن ریز دوشنبه ۹ و دیماه اعلام گردید و در اکرانی گنه فراراست حیان شاه و سادات و طله حسین و طله حسن ( پادشاه

و کنترل و مسئولیت بازارها و داخلی و تحصیل نرف های دلخواه نه این بازار دوز به روز جانی بر ورته تر و خودبده انجلی رویم سرسزعه لاسنتری بی گردند . اما این رونه ، مسایل و ترواری های آن ریزه همراه آورده است . تراکم تدریسی قدرت و ثروت در دست قشر بیرونی بزرگ بورژوازیست که در برابر انجاندان پهلوی قرار دارد و سلطه اعتبارپورار این قشر بر مهم ترین منابع و سود آفرینی نامیسات و تراکز انجاندان و بیالی و صاحب سهم هرچه بیشتر از درآمد هنگفت نفت توسط این قشر ، در دستر سگتر اشترار و گروهای طبقات حاکمه ناراضی های رایگیرگشته است .

به ویژه که پایه ها و بنیادی از قشر بیرونی ایران که از ضعیف های اصلی سیاست و در حین بهره گیری از شرایط اختلافی و به خاطر برواج دیوانه وار و لگا گچگشته فساد جهانی و سیاست های بحران زای رژیم حمله فروری برنده نظام های انتظامی و گسترش دانه ناراضی ها و اعتراضات در تمامی شرفن انتظامی - حتی در پایگاه هرت رژیم یعنی ارتش - نیست به آینه ملین و وضع به تدریج افتاد مانده . در چنین اوضاع و احوالی است که اوضاع اجتماعی و نظامی و فرهنگی و تحولات نیروهای بی گانه اشکل مختلف رژیم را در تنگنا قرار داده است . رژیم برای پایله با بحران های سیاسی اقتصادی ، امنیتی و سیاسی که به تعویق نایاب و رونیکنی روشهای او هسته ، و جلوگیری از کوهی فرزندیه اعتراضات و مخالفت ها که در شرایط حینی سلطه گزینی نیروهای مخالف را به سوی جیبه واحدی سوق بی دهده به وحدت و فشرده گری اشترار و قوی هوادار خود نیازفته است . او درت کرده که باید حلقه های ضعیف خود را سخت کند به رغبه صفوی خویش را بوی شانده . ناراضی های مردم برابر سر حال آورد و به حمایت بی سوز و فعال از خود را دارد . در اجرای این سیاست است که حزب توده فروده ناگهان در شگم دولت بورژوازی های خارجی به سرکردگی آمر زنگر فروری رید و ساواک با سه راه انداختن نظهارات و اختلاقی و محصله به پایه ای حرساوت و بیسگانه های مستقیم وائی ، به ویژه بانکها ، بھضر ، دانشگاه و درودرا از جنبش نیروهای و شکسته شدن نظم تحلیلی فعلی بی ترسانده و به نیز جتر خویشی کند . آتش بپای ریزهای اخیر و انتشار زیدوهای تحریف شده از هجوم خشم و انظرف کینه مردم ، طرفه خوبی برای هرماندن کلا فبای بی است . رژیم در ترواطنی که زمین زوبانی لریزه به این سرکشا نیاز حیاتی دارد .

### چه باید کرد ؟

درباره سیاست جهانی و سیاست آنچه های کاذب چه باید کرد ؟ همان ضرور که در سرطانه شماره گذشته نوبد ناگیکر دریم تنها ابزار و تگری ترین حربه ما در شرایط جدید اشتغالی و نایب همرانگیری این دنگلگری ها و نیمه شب بازی ها است . به هر وسیله و ابزاری اکن باید رسیبه های تازه شاه - ساواک را در محافل و وسایع و کاتبین هر صرحهای داخلی و خارجی افشا کنیم . باید نقب زنیور را به یک سو بریم و دست ساواک را در پشت حینه هر تیرنگ باطل و تبلیغ هماغوی در روشن بروکیم . باید این آخرین سرکهای دفاع و هجوم ساواک را از آنگریم بیگانه گستر تر هرچه بیشتر نیرومند تر افشاری های سیاسی ، برجاسه های ساواکی و درباری را باجتر از پیشتر به ابزار و وسایل یکشامم . باید در بزوتوگر فعال و بی اثرات تبلیغی و توضیحی بھضر و کوزبوی کی کم آگه و آمان ررب و احسانانی را از ادم های بی نیس برودر در اید و از خنده شدن آن و بازبجه قفسور کرش شان توسط نیاردل کوفشی حلگوری کنیم .

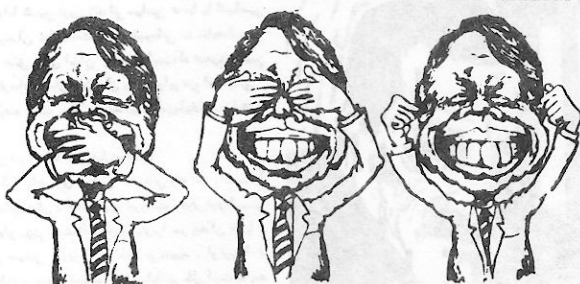
اینست که در این عرصه ملی رزم آینه برخوی بیزنده و نتیسا دفاع نشیک ، نیچماه نامت و همیم نامت . رمزیندو رگوشی نینک کیر ، بزرگتری آریزگار انلا بی جان و از ایدانیم که :

"نه از بیژنه در هیچ زبان دیگر ، هیچ کاری را نمی توان جایگزین تبلیغات سیاسی و سازماندهی کاری افشاکوی های سیاسی کرد ... باید در میان تمام قشرهای کم پیش آگه مردم و شور و شوق افشاکوی های سیاسی را بویگانیم ..."

درباره ضرورت افشاکوی ، چگونگی ، جنبش و هدف های آن بازم سخن خواهیم گفت .



کاربرد "حقوق بشر" کارتر در ایران :



اوله چیزی می شود ... نه چیزی می بیند ... نه چیزی می گوید !

مراکتی و جعفر نسیمی ( جلد دوم دوران ) انجام شود از مرحله "تاریخ در گسترش توپله های ایربانیم ارتجاعی در خطه حیریه هه .

\*\*\*

آرین برده بازی ، که شاید در قیل و قال های کاذب در براین ذ اکران شاه - کارتر بریده مانده ، مسئله نکت بود . شاه قیلا به تبعیت از لراه کاج حیفه نشینان بانک - هادی - نادی و عربستان سعودی و امارات متحده عربی از افزایش قیمت نفت بری حدتش شاه در کفرانست روی اینک در کاراکس جلگوری کرد . این خیانت مظلوم به نایب انگار مردم ایران چنان ابعاد گسترده ای داشت که غیرانگاران ایربکی و انگلیسی باحیرت و ناپاوری از شاه پرسیدند :

- در برابر این آصاتی که به غریب گردید ، چه انظرفی از ایربکا دارد ؟  
- رفاه باقریتی به چاک خلق و ظلام خلق به کوشی ریاح دارد ؛ هیچ ... خدمت نطق که به اقتصاد بحران شاه بود .  
از بیجهر در نظر ایران ، به ایربانیم فزاینده لسان کردن ثروت های بیرون رفته تیرایی دشمنان واقعی خلق های طریختن ، بی هیچ انظرفی وطنی ، البته از بدگاه نقض طبیعتی و سیاست های بی قانونی ، اما آنچه قابل توجه است این که شاه از پیش رفتن گزرتی از تهران ، پهنای خیانت خود را در برابر کرد . او در صلحیه ای که وارد یوسکر ، بی بی سی لندن در برنامه ایربکی ۱ ، بی هر لبه به تحوی بخش های از آن راضیکس کردند و ظلام کرد .

- مقاومت نفت را برای خدمت به سال ششتر کرده ایم ... این جمله گویند که در ضعیف هر و فیروز شاه نیست به امنیت گیند ، نشان آست که حماقت بیگانه دیگری در تهران بین شاه و کارتر انجام شده و شاه به جانی تکیه کرده است در اجبرای سیاست ارتجاعی کارتر در ذ اکران آینه اندک نیز از افزایش بیای نفت جلگوری کند . واقعا که سیاست متغی ملی - شاه از این بیختر نی شود !!

ایران میخواست . این تجاوزات از پیش آغاز شده و شاه بارها به صراحت تاکید کرد ماست که ماه سوالی اسلامی سیک و کلت مالی و در لری بی دهم . اما متعلقه جدیدی خواهد بود در این تجاوز و ارتجاع ، با همه ریزگری مستقیم بگیرانده . ضایق ایربانیم و ارتجاع خطه چنین حکم ی کند و شاه ایران خنده کت به این سیاست های ضد بشری بود خلقی چه نفسی بی زنده داشته باشد ؟ اما شاه و ایربانان آوه خوبی بی داشته که تحیی ، بھظرف نیست . این بحری حظیم را که بادست خلق آزاد بیخوشی میانه و وطنی سرآه عزیز و ار ادته از آن خراست بی گند هنی توان بادست زاندرم ها و نجه های چی نسیمی و شاه ایران و ایجابات و نایب بارفشار پیش کرد . خلق تحیی در بیگتر آزادی و بحرفضه ایربانیمتی خود تنها نیست و اگر آزادی نفته . حکایت نیروهای انتظامی و فخری جهان از زمین سنگر انتظامی به به میزان دخالته و همیم ارتجاع ایربانیم به آن راهبه وسیع تر و فعالیتوری خواهد گرفت . این حکمندی است که حتی شاه ستر و خیز ایران با همه پای بی که بی سر دارد ، از آن آگاهانست . اما این آگاهی برای اجبرای حیسلی هاگیکه شاه و سیاست او در بازی کردن با آشکار نیست . اینلر ها هرین قسط و ضیل آسای ملا حبابی ایربکی که با پول نقد ایتفاخته شده مانده با هم خالی شند . ایربانیم هم به حین هم به تیروقی و هم به فده الگوری نگران خود بیژنه امتیاح دارد . این واقعیت در رابطه با خطرات خرابی بی زمین اینتران کننده شاه به امنیت انتظامی ، و رونی تیروق ادر برابر چشم های بی گنید .

\*\*\*

ملاطعات ها و ذ اکران فروده بالگرتر و طله حسین هوشده و ایان ، صرف نظر از جنبه های کنونی دیگر و در نقطه فلسفی داشت . نفت بحران خاور میانه .

ارتجاع عرب به سرچشمه لری اتوسادات بستینجی ایربانیم در خاور میانه بحران خیز و درتلا شیکار کردن با بی حیسینیم تمام زکو ایربانیم جهان افشور است ، این دفع خاشته و مستقل اختلاف ، با آن کوری رومیه و مستیبر هه ایربانیمتی در دیگرانیکه در کتور های عربی و تصویق انتظامی فلسطین که برانگیزان اشگرهای آگاهی و شور و جری و شرکت های افشاکر آن است برای دولت های ارتجاعی حرب همان هر خطرناک است که برای صحتی نی

# برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!

## صفر قهرمانی

### مبارزی که در زندان تاریخ می سازد



سال ۱۳۲۷ که سال زندان سیاسی جهان اعلام شده بود به پایان رسید اما هدفی ترین زندانی سیاسی دنیا با اتیانسی راهی هنر در زندان شاه است. صفر قهرمانی به نام مطهر مقاومت بپهلوانی خلق های ایران ۳۱ سال است که همچو دم و جسم و شرایط طاقت فرسای اسارت زندان را در برابر هم اتیانسی خود به سفره کرده است. این فرزند خورشید آذربایجان، پاره ها گفته است:

مآندان من در اینجا نبوی جازه است؟

بهر راستی این باید اری حماسی و نبوی بک تنه است اما نش و روانی بخش و انگار و پر نبوست. صفر قهرمانسی مطهر زنده و سوزنی رژیم است که بقای خبیث ترا در زندان ها و تشکمه گاههای همین روز افزون خود می چید. او فرسا در ایران به بند افتاده روح نمیبو آشتی ناپذیر طوق است که به حرم عشق به آزادی زبیر یافته جلا دان و جبهان خواران افتاده باره باره شده هزاران زخم برداشته به غل و زنجیر کشیده شده و برده هتیز قتل آویخته اما تسلیم نشده است. او نفسی شکست ما و ایالت اداه نبوی است که جز با پیوستن خود نتواند با مان دیگری داشته باشد. دیگر هوشنگینزایی شهید ناپو و خلق ما و قهرمان توده ای در خاطرات خود از زندان که به زوی منتشر خواهد شد - صفر قهرمان را " مردی که از بزرگی و فقط با خود ترقیب مطالعه است " نامیده است. دیگر تزیایی گفته است:

"زندانیایی که به نبوی و حرارت نیاز دارند به او مراجعه می کنند. او در این جور آه و زور و تشنه است که می تواند به همه زندانیان جهان چیزی بدهد. هر جا صفر و خان هست بی شک زنده داری و شوق زندگی مطبوت

و فلجان شادی و بلند هم هست. او از نظر تقوی به شاید زیاد نداند اما کفر نبویس و بیلو و خورنگ است که زندگی را در فضای و تنور و ذرات مابوسی اش به حساست او درک کرده باشد. تقوی های نبویس ارک جیب طلب خیز و مانند خود زندگی محصل و واقف است و هرگز اشتباه نمی کند. او به حد این دانش عظیم تجویس و شاید بتوان گفت حالا دیگر ناکسای غریزی - تکلیف خود نیز دیگران را در برابر همه ساسیل و بغیرتی ها و جراتات زندان وقتی آوری که سالیات از آن جدا شده، با محنتگشتی آوری برون می کنی.

با آن لجه آوری نبویس و نگاه صافی و قات انراشته، سینه فراخ و پاهار که ستون های سنگی تخت محمشه راه پست می آورد و صورت اندک کوشنا آید و سپس و شیر خورده ای کف صافی و رستاخای آذربایجان در آن و درخشده گلانی که طعم صهی "رضق" در آن حج می زند. ... این خیل خلاصه شده در بیخوله ها و تنبیه گاهها و زندانها و تشکمه گاهها، در رفتی راه دوشی کنده که سرانجام باید بر طه فتح و افراشته گرد و چندی پیش به دنبال ظاهرات و بوکرات مآبان بی محتوای رژیم و حتی چند از نمایندگان ساواک و زندانیان زود افروخته رژیم شاه طولاتی و اورتا بدیدی کنده به قدرت رسواگرانه حضور این جان نیز زوال ناپذیر می برده است. نمایندگان رژیم صفر خان گفته:

- چرا چیزی نمی شنوی خودت را اعلای می کنی؟  
- قهرمان توده ای شاه با لاندانت که؟  
- من حرفی برای نوشتن ندارم.  
- نقاشی عطر بکن.  
- صفر خان به نقلی لیخند زده؟  
- عطر برای چه؟

- می خواهی ادای قهرمان هزاران بیاوری؟  
- این شبیه که از من قهرمان می سازی. من یک ایرانی کتام، در ربک روستای این سلطنت بدم. ششام و ایری سر زاتیبا انداختید.  
- تهدیدش کردند؟  
- ماتشکجه گاه هم دارم.  
- می دانم.  
- بوی توایم هر آدمی که شتی را بر سر حال می بایزم.  
- اشخان کنیدی... می نایده است...  
- آبیای در استند که هر تلا می برای به زانو در آوردن این مردی که هتیز در سینه جبهان تید هی نایده است.  
- صفر خان ۳۱ سال صبر کرده است. آبی گوید:  
- باز هم صبر می کنم... آفهر می نامن تا فرزندان واقسی ایران درهای زندان من وجه زندانیایی کشورها باز کنند...

" دانشجو نمی خواهیم. دانشگاه تهران اساسا دانشجو مخصوصا دانشجوی علم اجتماعی نمی خواهد کاردها به دانشجویان می گفتند: " همه شرایط برای می فرستند به یاد برگردانتم و انتخاب می کنند."  
رژیم در فرهنگ از صفحه پنجاه سانت از تشکیل کلاسها ملاً دانشگاه علم اجتماعی را ضلع کرد ماست.

### اخراج دانشجویان مدرسه عالی علمی پرستاری

به دنبال اعتراضها در دانشجویی مدرسه عالی پرستاری وابسته به دانشگاه پزشکی رازی به رفتار غیر اصولی و غصبه دانشجویی در این مدرسه، تمام تحصیلی ۲۰ دانشجو ضلع نشو. ۱۰ دختر دانشجو به اتهامات نواهی اخراج شدند. اعتراض دانشجویان کلاً جنبه صحنی داشت. آنها به شرایط محیط تحصیلی و طرد شدن دختر تاتی ریس دانشگاه (که کلاً از افراد بیوزناتی توش مشبه ساوان است) از ازمایش قرار در های رسمی که با دانشجو بان گذاشته بود، اعتراض داشتند اما با خشونت و بیفهمانه روی برودند و به اصلاح هیات علمی این مدرسه عالی زیر فشار رژیم دانشگاه تهران و رئیس هس مدرسه با اقدام به تعطیل ترم و اخراج سوزناتیسی ۱۰ دانشجو در صحن کردند. دانشجویان که در روز پنجم بهایا برای گفت و گو با مقامات مدرسه آمده بودند به پایتخت خلق از سوی سلولان ردود شدند و حتی بعد چندین مستخدم کردن گفت و گو و تالیق و دستورات به دانشجویان حله برودند و با توهین و سازوکار آنها از محیط مدرسه عالی بیرون رفتند.

رساند به وضعیت کرد و بالا حره کار نشان را بر داد. هنوز گروهی از دانشجو بان جوی نشده اند کگرت خود را پس بگیرند. گزارش های رسیده از دانشگاه صنعتی حاکی است که کگرت همه ای از دانشجو بان دانشگاه صنعتی که در شب سخنرانی یکی از اعضای کانون نوسنه گان که به انتصاب نوسنه و آرام حاضران انجامید، بحث تریبون رفت و سخن گفته اند. از آن ها گرفته شده و هتیز بر داده نشده است. خیرهای دیگر حاکی از این است که میران هتیز به استادان دانشگاه صنعتی اجازه تشکیل "تقوای دانشگاه" را برای رسیدگی به مسائل و حوادث اخیر که در حوزه اختیار و وظایف آنهاست نداده است.

### بیرون راندن دانشجویان از دانشگاههای تهران و ملی

صحن درخشیده در اوژدم دیماه جاری افراد کگرت دانشگاه ملی به دانشجویان این دانشگاه حله کردند و آنها را از دانشگاه بیرون کنند. طاقت دانشجویان سپید و خونخورد شد و سرانجام حال رژیم با خشونت و وحشی هم دانشجویان را از محیط دانشگاه بیرون کردند. صحنه تنبه سوزده دیماه گزارشهای شامدر لاهی افروخته کرد به دانشگاه تهران و ریخته و دانشجویان را از کلاس ها بیرون کشیدند و به وضع طاقت آنها، از محیط دانشگاه بیرون ران کردند. هدفی از دانشجویان که طاعت بوزش رسد و در روز های آرش دانشگاه که هیچ گونه حرکت تحصیلی و اعتراضی مشهود نیست، جبهان شده بودند، جواب شنیدند که:

## در دانشگاهها چه میگذرد؟

### سیاست ضد دانشجویی رژیم در دانشگاه صنعتی تهران

رژیم و همچنان با دست عمال و مبره های خود به سیاست ضد دانشجویی ادامه می دهد. در هفته گذشته طری عماران رژیم در دانشگاه صنعتی برای افسال فشار هر چه بیشتر بر دانشجویان ساز از این دانشگاه شیوه حدیدی راه اجبه و کگرت او لیست بلندی از اسامی دانشجویان جانرا با کگرت دانشگاه و ادواتر ایان هر دو دانشجو بان با کشتل آتیبا کگرت دانشجو کسان را که ناشان در لیست بود گرفته. هنگامی که دانشجو بان برای با زین گرفتن کارت خود اقدام کردند آن ها از بیرون سارواکی، عیاجاطر رفا میران فرستادند. میران تنه ننه دانشجو بان را بدی برون نیمه از مدتی صحبت تیدید و آن ها را به مرکز کارد فرستاد و گفت کارتتان را از نفوس کارد بگیرد. رژیم کارد هم مدتی دانشجو بان را نصیحت و تهدید کرد و آنها را برای گرفتن کارت و دیاره به میران سیاسی داد. این بار میران از دانشجویان خواست برای کشتل آتیبا بدرشان راه دانشگاه بیاورند. بعد از حضور اولیای دانشجو بان در دانشگاه باز هم میران ملسی دانشجو بان

## در ارتش ایران چه میگذرد

## ارانی

سپه سالخورده و بی تجربه ایران که در نهایت از چهارچوب طبقاتی زنجیر می‌باشد، در رسیدن به قدرت با دشمنان غربی و شرقی با هم می‌تواند همکاری کند. در این شرایط، ارتش ایران به رهبری پهلوی در حال فروپاشی است. ارتش ایران در واقع یک ارتش بی تجربه است که در نهایت از چهارچوب طبقاتی زنجیر می‌باشد.

ارتش ایران به رهبری پهلوی در حال فروپاشی است. ارتش ایران در واقع یک ارتش بی تجربه است که در نهایت از چهارچوب طبقاتی زنجیر می‌باشد. ارتش ایران به رهبری پهلوی در حال فروپاشی است. ارتش ایران در واقع یک ارتش بی تجربه است که در نهایت از چهارچوب طبقاتی زنجیر می‌باشد.

در زیر کلاههای بلند پیاده رنک  
بر سکوئی همایش رویار آمی  
مردی نشست بود.  
چشمان خیرهنا بسوی طاق آسمان  
( کتیا مفران زندان گمگنرده بود بال )  
خاجیز داشت  
وز هاپیوی مادی زندان گمگنرده بود .

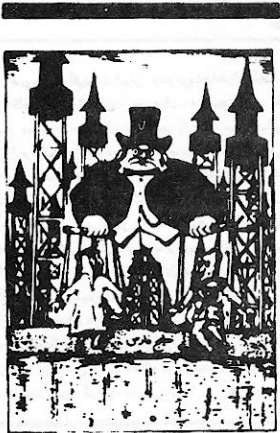
در فکر آنکه چون بگرد روز در کار  
بهر دافع شهری حق دهم کف  
در ضمن خیرهنا  
آنکه که با دوع و م از اتهام و  
با حجت برهن خود شتم کف .

در جنگ دشمن قوی بنده مملعتی  
اند پشمانی بود که جانش فدا شود  
گویی شباب داشتند  
دل را به یک برنده خوشین بدل کف  
در ذبح زبان  
بهر نجات خود می زحمت فدا شود .

وقت خوب چون در خورشید شاگه  
دیوار را طاقی و گلرنگ کرده بود  
برخاست  
وان سایههای تیره بچگر  
سجای بر حرارت او را  
با نقشهای خیرهنا برآنگ کرده بود .

کوی تملوری است به چشمان  
افراخته تر است از این کلاههای پیر  
با دست خیرهنا سگ طاق آسمان  
در زیر پای او  
هر سود بده چون حشراتی زحیم بزم  
اتیبه دشمنان !

هرگز که مرد جلویی تاریخ صبرا  
در آگهی دل تنیده میگد  
خود را که خورد و خورد و صبح است آن زمان  
گری سترگ و مهر و جلاهد میگد  
رونه به روح صحرای زبان مرقوم بشمار  
آیند و بگذرند  
کمی با فیلهای که ارانی است دران شلار  
اینان بربرند !



ز لرزه یک بار دیگر در فستی از ایران کبی های صحرای و  
گی رابو سر هزاران روستا و زمینهای آن گرد و غبار سنگین به  
بار آورد . طوفان آرزوی زمینگردان های زمین لغام کرد اند  
۲۱ نفر در میان زلزله کرمان جان باختند و ده ها صدمه  
اصطلاح خانه و سازه های گلی گین جوان شده است اما بی شک  
ایجاد فاجعه گمگنرده تر از آنی است که فاش شده است. این فرض  
محقق زمین است: بی اطلاع نگین داشتن مردم از حقایق و کجبه  
خلوه در این فاجعه ها .

به دنبال وقوع زلزله شاه ایران برپا شده و دستور حوام فرضی  
با اصطلاح از منطقه زلزله زده باز گردند نه گفته و نوشتند  
زاد به و نصیب زمین و فرضی نامه های درباری از برای هم بر او نشسته  
سازن بزبانها صابر کردند !!

شاه پهلوی با نخی که گویی همیشه برای ترساندن مردم آنرا  
به تن می کشد . هرگز به اصطلاح باز بده از روزنامه ها و گفتگو  
با مردم گرسنه بی حاشیان در قابل شکر و خیرنگار او پس  
تلخیص با بی شری گفت آن روستایی بزرگ را بدم که تمام  
خانه های پهلوی شده بود تنها ساختن سالم دهگه سه  
در سه اتمیلو داشت که امرا با مصالح ساختمانی جدید در ظل  
آمر ساخته شده بود !!

هیچ تقصیری بر این امپراتور شاهانه لازم نیست. بر سر مردم  
سندیده این روستا و فستی شکر و گل فروخته بود و در تمام  
دهگه فقط به ساختمان آبرو میدور داشت . این روستا و  
صدها هزار روستایی دیگر مانند آن در کشور قرار گرفته  
که ثروت سرشاری که به تاریخ می رود و شاه فست آن را به حل  
خود برای مصلحت پهلوی درده ترین سرمایه داران . در شکر تم  
نمانده آن حجت آبی کازری کشد و پول آن را نیز صرف خوردن

## فاجعه زلزله کرمان

و نانک و هویا پیمای گند تباری سرگرم هر جنبش فلسفی در  
داخل کشور با هر نقطه دیگری در ضلع آباد و به عنوان  
نیز کوشه فریاد امیرالعلم در هر نقطه ای که اشاره کند وارد  
کارزار شود در حالی که با پول هر یک از دنیا پیمایان که شاه می خورد  
و توان چندینی دهگه را با هم و نرسای کرد .

شاه در قسمت دیگری از این صاحب گت نامه دارم و فرض برسد  
که روستاهای ایران نرسای شود . این کلام شاهانه هم نیاز به  
تفسیر ندارد . او خود ترم می داند که چنین روزی سرتانچرا خواهد  
رسید اما در آن روز مردم حاکم بر سرتان غرض نخواهند بود  
نه فستی رحاله ، فاجعه ، طاقان و دار وین وطن . در چشمان  
دفعی است که اگر زلزله باشد بی بیشتر از آنچه کرمان را لرزاند ،  
ایران را لرزاند احتمال وزیران و وزراء خارسان ، بسیار بسیار اندک خواهد  
بود و دیگر حد ها که صدق خشت و گکی بر سر زرمی متکلمان روستا  
ها بران نخواهند شد چرا که دیگر جنس گند دانی وجود نخواهد  
داشت . مدت زلزله ای که کرمان را لرزاند فقط ۶/۷ اینشتنر  
بود در حالی که صد هفته قبل از آن زلزله ای با شدت ۷/۵  
اینشتن فراتر از شعوری را لرزاند و بیشترین خسارتی به بازینوار  
حقیقتا این است که حتما روزی که شاه دیده می دهد سرانجام  
فرخواهد رسیده و حلقی های پندیده و محرم ایران سر آن که  
سلطه دوزخی حبابان و سنگران و زاوهای اجتنابی را بمر  
اند اچند ، بانوی شکر خیزش به جان سازندگی دست  
خواهند زد که نسبتا در عرصه اجتنابی بلکه در برابر سوره های  
گور طبیعت سزا خواهد داشت . . . . . وقتی که قهر طبیعت  
( آن حتما گدفر فراقتان امروز شعوری بنام ) دیگر نخواهد  
توانست مردم شنده امروز و امروز بپوشد در ایران را زلزله نماند  
های خشم خود بگیرد .

# جنبش‌ها و مسائل کارگری

این جای است که به تجربه در دهه است شده و کارگران ایران با بهره آن نامل نتیجه کنند. و در دهه صند بی جنبان که با همیوه خوبی کارگران به وجود آمد، نه تنها دگرزی بنای، بلکه هشتاد و هشتاد و امری تازه را تا برای کارگران فراهم دستوری و کارگران با تجربه است. ششادت نقطه ضعف، اولین کام در راه در مان آجست.

## اخراج ۲۰ کارگر کارخانه ایرناک

طی دیماه امرویش از ۲۰ نفر از کارگران کارخانه ایرناک ( واقع در تهریز ) به بهانه های واهی اخراج شده اند. کارگاه ایرناک از برداشت آزمایشی و حق کارگران اخراجی به اسم ششادت بیازنده، گروهی رابا شش ناچیز و بسیاری را بی هیچ حقیقی از کار برانده است. در برابر اعتراض کارگران که علت این تصمیم بکتابخانه و شخصیت آمر را رسیده ماند، اولیای کارخانه گفته اند: دولت بعدا تصمیم گیری میوه که نمسی از تولیدات کارخانه ایرناک را خریداری کند. از آنجا که دولت به تصمیم خود معزیز نکرده، ما هم در مقابل شما هیچ قصد و ندرتم کارخانه ایرناک با ... حلیون تویان سرمایه اوله توسط سرمایه داران ایرانی، و دانشکری و آلمان غربی در تهریز دایس شده، و سبازنده قطعات ششادت ساخته ساختن است. کارگران اخراجی خواستار پرداخت مزایا و حقوق خود هستند. کارگران فعلی کارخانه نیز که از سر نوشت رفقاسی خود بدجلر ششادت شده مانده، تا باین بهتری برای اداه کارخوش می خواهند. در برابر اقدام خود سراه کارفرمایان، ریز جرفه از سرمایه و سرمایه دار، کهترین شکرال معنی به نفع کارگران خود مسلم فرار کرده نشال داده و میسکوت خود اد امانت یک حاسه و ضمه کارگری سفلون کارخانه ایرناک را که می خواهند با اخراج کارگران قذیب، کارگران جدیدی را با حقوق و مزایای کشسمر استخدام کنند، با تافته کرده است.

# درسهای گرانهای اعتصاب کارگران بنز خاور

احوال وامعه دیگری روی داده که این شکست برخی اما آموزنده و تجربه حیرت کارگران خودخواه و شیزنده رابانجی بهتری نبسته بهین در آمیخت. کارگران ایران ناسیونال اعلام کردند که اگر سراه برادران طبقاتی گنبا در کارخانه بنز خاور به مبارزه ادامه دهند می توانستند که مادی و معنوی آنها حساب کشنده. کارگران سیمان روی و جیت نیران نیز به تدارک برخاستند تا با پس برداشتن اعتراضات مشابه رخصا رات اعتراضی به ماری رفقاسی هیز جیسور کار خود و بنز خاور بروند. اندامیران شادک سی کارفرمایان و سرحله به اران تحت لگوی حکایت سرتیز و اختسالی شاه به کارگران آمیخت که تنها اندر سگزگی و مؤذقت و شهوت آنها در اتحاد آنهاست. در حالی که سرمایه داران برای منافع مشترک طبقاتی و طارت بیشتر از دستفرج زمشکنان در سسک حسیه شده عزیز کنند، براهی که مفسوفی بر تارتاری ایران این ارزشی تواناوار هاشگرا راه کرد انهای پراکده و ضمیمه تری به بی سازگاری در برابر نیروی ششادت نسی تاب مقاومت چشمه اش می ندرد. اعتصاب سس کارگران ریزنده بنز خاور به خاطر رفهان رسته های درستی پیوند رانند آنها، بی شبی های لازم برای لعلطات و روزهای بحرانی مبارزه پس از اعتصاب به انداشتن سله حد اقل بختنوال عالی، کمیزه کار توضیحی لازم بین کارگران اعتصابی چه قبل از شروع اعتصاب و چه پس از آن و هم بستن این اعمال کارگران دیگر کارخانه ها و براده ها وسایر اعتبار رانند اما احتسالی به شکست کشید. این کافی نبود که کارگران ایران ناسیونال تنها باید ادس وده و قبل فکط مادی و معنوی پیوسته کنند. بهترین ماری آنها در برابر حسیه متحد کارفرمایان، دست زدن سسک اعتصاب بکار حسیه بیسیج به عنوان پشتیبانی و همدر رها برادران طبقاتی خود در کارخانه بنز خاور و افشای بیوج کارفرمایان و توضیح خواست های حد کارگران اعتصابی در مان کارخانه ها و دیگر محافل و مجال اختصالی بود. آنها در بن صحرورت اتحاد و همگاری قمان ملی خود یک پیوسته بود که نباید آن را گسسته انکاشت. کارگران بنز خاور در یک مبارزه حنی بوقایه حقیقت دلخواه رسیده ماند، اما نظاقت ضمه زنیوی واقعی خود امیران مبارزه کشف کرده اند. آنها در برابر تقاضای افزایش دستمزد خود با جیا و حکیتی روی آورده اند به فروت داشتن سازمانی از خود و هم رخصا خود در برابر سازمان بکار حسیه سرمایه داران و حکیت آنها می بردند. یکی از کارگران پس از پایان اعتصاب می بود:

" اثر یک صد روز محلی داشتیم که تا مدتی در روزهای بیگاری از نظر مادی ما را تانیس می کرد، تا خودم و کسرت سشت نگرفما و شخا به مبارزه ادامه می دادیم."

در این اشهار بنز سرتیز و تجربه بیسباب نهفته است.

در جریان اعتصاب ۲۰۰ کارگر کارخانه بنز خاور که با اقلیتی سفلون کارخانه روی روشند و در خواست حق سک حای بیزای داشت، کارگران پاناکید بر سرح نازل دست خورهای خود و کراتی سرمایه آور و روزین سکن دبا را به سب که سفلون در آمد ناچار آنها را بی بنمده، پرداخت حسیی به عنوان حق سک را از کارفرما خواستند بود. سفلون کارخانه بنز خاور فرستاد. آنها نمیگفتند که چنین حقی در هیچ کجا به کارگران پرداخت نمی شود.

اما کارگران لیست حق سک کارگران ایران ناسیونال این روشی آنها نینباید. این مبارزه به مبارزه اعتصابی کارگران جپید پیگ داد و ستولان بنز خاور می بردند که بین کارگران اعتصابی سا کارگران ایران ناسیونال رابطه و تانس بیسبای وجود دارد. این موضوع پای سفلون کارخانجات ایران ناسیونال را نیز به صحنه صالزه اعتصابی کارخانه بنز خاور باز کرد. مسعود حای مد بیسر حاضر یکی از سباده اران عده ایران ناسیونال به صاحب کارخانه بنز خاور توجه کرده که به هیچ وجه زیور تقاضای کارگسوان اعتصابی نبود. او گفت:

" اگر امروز در برابر آنها حق بنشیم و جیتی بهینسان به هم برده ا حیز در نری خواهد شد، خواست، نادمیسر شده باید آنها را سرچاپشان نشانم."

برای واداشتن سفلون بنز خاور به بیوز خواست خود، پشتیبان کرد که نمای سرور زبان کارگاه ایرناک در مدت اعتصاب تفتن خواهد کرد. حسیه کیری ششادت و کارفرمای بزرگ که سبک تا سید کامل سازا، همرا بود، به است سخت تر شد بیوج سفلون بنز خاور در برابر کارگران محترف رند به ناخن زانده ام های شده به اعتداسین، مبارزه اشکرگره از آنان و اخراج دسته حسیی کارگران اعتصابی. پلیس سرمایه داران جیا و لگر بزرگ بودند سبای ضرب نشستی به زمشکنان نصوص و ناماصم و مبارزه سبای ایران نشا می دهند. کارخانه بنز خاور پس از این نوشته رف بلا نه اسلام داشت که آماده است دوباره از کارگران نام نویسی کند، اما در اشتغال همدر آمان سبایه کار بزایای قانونی آنان شاخور به جرادت شده. سازماندهی و ستفاده از نوشته توده کارگر که همسول ستمگ شرایف دار شکرانه طبقاتی و اشتغال حله و اشتراکی روی امزوی کار است، سبب ششادت از کارگران اخراجی پس از چند روز معاوضت عمل کردنی جواد خود در برابر سفلون در سبمال کارگاه اداره عقب نشینی بیورانند، اما در این ستم

## دو نوع تظاهرات هنگام ورود کارتر به تهران

یود: اشتهاری به آن محافظ امریکوی که خشونت و شدت دیکتاتوری شاه ایرانی ضایع دراز مدت امیر باسیم و رخصا خضرانی و دانته در سله قصمت تصنیی بود و دستوری بودن این تظاهرات مادل ان، انگار نیازی به ادراک که یکی از خبرنگاران نوییده طویشتن آن را سب کرده است:

حس روز شنبه ۱۲ بود کارتر به نیرار، مسعود حمفرمان و همان سازمان داد بو نوسزین ایران و عدونایت کسبه آستو کسغور (ساوان) در یک محفل حصیی گفته بود:

که از سر نوشت آنها اطلاع می داشتیم که تا مدتی در روزهای بیگاری از نظر مادی ما را تانیس می کرد، تا خودم و کسرت سشت نگرفما و شخا به مبارزه ادامه می دادیم."

دو نوع ورود کارتر به ایران و دو نوع تظاهرات گینا ضناوت در نقاط مختلف تهران روی داد. در نیمی از این تظاهرات مردم به بیوز زمشکنان و دانشموان در خیابانهای شاصیر و حاصینه و طالب دانشگاه به سرت امتضاوت کویله شمرکی تشکیل دادند و تظاهراتهای " برگ بر این حکومت شصتستی" و " اشتیاد اید امریکوی که..." زندانیان سیاسی را آزاد کند" از سوی جمهوری سدی دفاع از حقوق بشر ( البته به سبکه امریکوی آن) استقبال کردند. در این شمار های افشاک می معنوالی جلا رسنیسا ل های کارکننده کا سبفد نشیمان بانگو در باره دفاع از حقوق بشر و آزادی های شهروندان جهان در کار شرایط اجتماعی و ماهیت حکومت و دشمنان شاه به وضوح گمانده و بر طلاء شده بود. این تظاهرات گنگان به حرم فراد کس حقیقت و آزادی می توسط پلیس خود بیوز ممشن و دشمنان فرار گرفته. در هایت به شدت ضروب و مجرب گردیده در سین ۱۲۰۰ نفر بازداشت شدند



# در راه دمکراسی و حقوق بشر...

چندی پیش ۲۰ تن از روشنفکران سرشناس و آزادیخواه ملی ناکه سرگشا دمای به دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن امضای تاسیس کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر و حقوق بشر در ایران و تاسیس مردم استبداد در شاه چندی پیش سرورده اند:

۱- طلب آزادی عقیده و بیان و آزادی اجتماعات و انتشارات به سبب عدم تحمل مخالف و نظریات مخالفه.

۲- توقف فعالیتات حقوقی و سند سرانه هزاران نفر از زندان و پسر جوان حتی جوانان دختر و به طور کلی توقیف افراد مخالف استبداد و موقوفه اشتغال سیاسی.

۳- محاربت به انواع تنگیه های جنسی و روحی تنگی به مرگ یا تضرع و رنج و ابتذالی های درامی علم خلق صریح قانونی بر طبق ماده ۱۳۱ قانون مجازات ایران کسانیکه سه تا عیش حاصل زندان برای مرتکب تنگیه تعیین کرده اند.

۴- مسانده تخمین سیاسی (مخالفین روش سیاست هیتلر) در محاکم نظامی توسط امراسی به نام لاهی که زیر نظر سلطه مستبدانه شاه فرود آید.

۵- محاکم تخمین سیاسی در دادگاههای مذکوره اقدام با محیی های طولی الدت به استناد اظهاراتی از زهر تو شکمه در مراحل تحقیق به علت تنگیه به افسر ار با حتی به سبب خود داری انتظامی مقر واضع است.

۶- خود داری نظام سلطنت از قبیل تقاضای فرجام محکومین سیاسی (مانندانه در کشور با مرخلاف تمام مزایای حقوقی و انسانی به موجب یک قانون از جنسی ناشی از رژیم استبدادی و بیوزن تقاضای فرجام محکومین از اندک به اندک راه نظامی به مرافقت تمام سلطنت محو زد است اما خود افسر دلیلی نظر اساسی ترین حق قضای و حیاتی هر انسان است.)

۷- کشوری در رحمانه عده ای از جوانان تحصیل کرده در خانه ها و دانشگاهها خوابانها و کوچکها

۸- دست مأمورین آشکار و پنهان پلیس به آنگ که اتهامات انسانی به آنان محنت داشته باند.

۹- محروم داشتن مخالفان بدون تعیین تکلیف آنان.

۱۰- خود داری از آزادی کردن عده ای از زندانیانی که ضدت محکوم آنان قضی شده است.

۱۱- محروم ساختن زندانیان از ملاقات حتی خلافی با اقربان نزدیکه و درجه اولی.

۱۲- محسوس ندیده گشتنات و گشتات و انتشارات و طبعات و محسوس آنها به چند روز در وقت یا وابسته به وقت که منتظر مأمورین قضی متشری شود.

۱۳- تعطیل بسیاری از مراکز شرفی تمام با محسوس زجر و تمهید مراعیه ناهیه و شخصیت های مذهبی.

۱۴- انتشار از نام تله حزبی شخصی و محسوس از مزاج و طبیعت هم از فعالیتات سیاسی به مزب و امدر ستا تیرگی به فرمان نظام سلطنت تاسیس یافته است.

۱۵- طلب امکان مشارکت واقعی مردم در انتخابات مجلسین و انجمن های ایالتی و ولایتی - و مشروط

۱۶- انتخاب شدن به عضویت در حزب واحد و دستاورد و دستاورد آرزوهای ایکنه بداهای پادشاهی دولت با تویج به تندید و ارجاب و شایعات اضطرار انگیز و باقیمتیه سلب خلعت و دست نماندگی مردم از تخریب.

۱۷- نظر صریح اصل تنگیه فراتر از قوا میده.

قصایه (اجرائیه) و متحرک ملی اختیارات مرسته فرود در حال سلطنت

کمیته دفاع از حقوق بشر سرداران و پیشبر آن که مشور و درباری (فرانس) است نیز طی اطلاع ای هدف های خود را در دفاع از حقوق و آزادی های مردم ایران چنین تشریح کرده:

۱- دفاع از حقوق مردم ایران در تعیین سرپرست کشور و تعیین رئیس و سایر امور حکومت مردم بر مردم با انتخاب امراسی که برای او از مابطلت در کنگه صلح آن صالح ی دانند.

۲- دفاع از اشکالات آزادی یعنی برای خلق و سایر. ۱- نایع از کنگه حقوق مردم ایران در فرود آمدن استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دفاع از حقوق مردم ایران در بروردن کمال انزوت های طبیعی و انسانی

۳- کشور در راه بهبود زندگی خویش باز به با هر نوع سیاست استعماری دافع به مخالفین حقوق.

۴- دفاع از حقوق و آزادی های مردم سایر کشورها در جهان که مورد تجاوز و سلب آزادی میگردند.

۵- دفاع از کنگه حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مردم ایران در زمینه انباشته به سوی ورام با آزادی بی معاد آزادی علم و مطبوعات و تظاهرات و تشکیلات و حمایت ها و مبارزه با هرگز تخمینان حقوق آزادی ها

۶- هر نوع تجاوز به شخصیت اساسی آدم از با و داشت صورتی به شکنجه و تبعیت و تابعیت و آتال آن.

۷- دفاع از حق کلیه افراد کشور در داشتن کزور در بهره برداری از ثمره فعالیت خود و دفاع از آزادی ها و حمایت اجتماعی لازم برای ناسین امن حق مانند تشکیل

۸- سندیگای آزاد و توسعه فعالیت و داشتن زمینه های انجمنی عمومی و انتقال از برای کلینیکستان کشور.

۹- دفاع از حقوق فردی و اجتماعی کنگه مردم ایران در مبارزه با رژیم سرکوب و اختناق و دفاع از زندانیان سیاسی صرف نظر از برترتگر و شکل وسیع مبارزینان.

۱۰- دفاع از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی کلیه ایرانیان مخم خالک کشور در برابر هر نوع تجاوز و تمسک.

کمیته مذکور برای نیل چنان هدف ها که مشور و مخالف وهم ربه اتحاد و همکاری صورت داده است.

شروط و امکانات جدید در ادخل و خارج که موجب می گردد که درانه فعالیت های گذشته در زمینه "دفاع از زندانیان سیاسی" به دفاع از حقوق بشری و دیگر تنگیه کسانیکه در زندان بزرگ تری به نام ایران به سر می یوند ارائه یابد. بدین منظور فردی است که گنگه منظم و گنگه مذکور مانوس از نامی ایرانی، با حفظ شخصیت مستقل و براد شود خاص مبارزه خود در پیشبرد و دفاع از حقوق بشری و آزادی های

دیگر آزادی های فردی و اجتماعی حقوق بشری و آزادی های دیگر آزادی های فردی و اجتماعی که در این زمینه از

ضررات نفوق و به بارده گزی اعتراضت به پیشرفتوان افکار و راه آزادی و خواهان از محکومین ایران میجان

راه نفع استقلال و هوای مردم ایران بسج کرد.

حزب نود ایرا که از بدتها پیشبرای ایران با شعار اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم استبدادی شاه را در یک جبهه واحد

هدف دیکتاتوری و محضور سرنگ کردن رژیم طلاق سلطنتی گیتی و به عنوان شمار ناتنگی خود و طریق همه مردم آزاد و خواهان بتر کشیده و از گزیر به واقعیتی سیاسی و درک ضرورت اتحاد در صفوف مبارزان فخر هم پس شادمان است

به دعوت اتحاد مبادی "کمیته دفاع از حقوق بشر سرداران و پیشبر آن" به دیده تابعیت و تمسک و نگر و آماد دست در امتشاق خلق این شمار تمام سفلی و امکانات خود را به

کمرانند از.

## قطر - غرب - شاه در خرم آبشار

روز عاشورا مردم خرم آبشار که سوابق طولانی و پرشوری در مبارزات ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانند از به شیوه و نظریات خود سرانجام حیات رنگین شامرا به نمایش گذاشته

ما جزا از این فرسودگی نزدیکی های ظہور روز عاشورا رنگی که مراسم سرگولی به اوج خود رسیده بود، حرمی دوستانه های اصلی شهر ظاهر شد و توجه مردم ربه جاذبه خلق کرد و روزی و تن سفید خرسورت و هیبت شاه جلال ما هراته نقش شده

بود. "غرب شاه" بی توجه به استقبال مردمی که در میان خنده های بی حسی ابرام است به بگدگ بنگر نشان می دادند، اگر ابرام از میان محبت مجبور کرد رنگ بپزه خود را بر او برساند

از حساسات مردم نگان می داد. تا مأمورین سوار خرم آبشار آمدند که با ماجرا با خبر شوند زنگی بگندد به زباز مردم حساسات مردم نگان می داد. تا مأمورین سوار خرم آبشار آمدند که با ماجرا با خبر شوند زنگی بگندد به زباز مردم

به دیدار "غرب شاه" خفته صولت خلق شده بودند. در میان شاه به "غرب شاه" حمله کردند اما محسوس ناپه فرار گشت. تلاش سارگی شاه به دنبال "رضی خرد" خودی دیده شد

چشمی "غرب شاه" عظمه ضحکی به نمود آورده بود، سارگی به دستگیری خروقی شد تا ما هراته ناظر گردند تا استند صورت شاه را از صورت غرب شاه کند. ناظری دست با

هنرمندی به سبار صورت خرابا "نخال گرانده" نشانما آراسته بود! سارگی ها سرانجام به حربه دیرینه و حیثیتی خود

خوشب شدند و خرم چهاره را جابه جا گشته و نشانی بی حال شاه را با پوست سر انتشار کردند تا مردم بر سرش باشند برای دیگر "خرن" که مبادا جرات کند یا (پیشتر) مرگش

شاه شاهان گند!...

### صوم

#### مراسم روز عاشورا ربه تظاهرات پرشور

#### علیه رژیم استبدادی شاه تهدید کرد

خبرهای رسیده از تظاهرات پرشور مردم در روز عاشورا علیه رژیم ضد ملی راسته ای شاه حاوی آیات که مسلمانان مبارز و آزادخواه صیبا ما رها در به ست های درخشان و حماسی جام روز عاشورا، با ننگ اعتراضی خود را علیه ظلم و ستم بند زمان بلند کرده و تظاهرات گسترده و انتشاراتی را بر سر پا کردند.

در تهران در روز عاشورا دانشجوان مبارز آزادیخواه به میان مردم رفتند با آنها در آغوشند با مردم گزرا و پادشاهی را هر چه رساتر فریاد زدند. در خیابانهای محروس و گوسک و بسند و جهاپاره سرچشمه و سر جلوی مسجد شاه نیز در خیابانهای

و مسجد به دسته های بزرگ تظاهر کردند با شعارهای طعنه خیز خود که جبهله شاه بر ای آزادی زندانیان و تمسک دانشجویان سیاسی به راه اندازند و مردم صبح فیه به تظاهرات گزرا اما تظاهرات مردم در همه جا با تمهید و شمشیرهای آرمایی و پرورشده. عدهای مخرج وسیع گسی از روی دستگیر شدند. در تشریح شده ها چون دانشمندی دختر بیسود مردم شاه

جراغ تظاهرات پرشوری علیه رژیم استبدادی ایران کردند و سر گزرا و شانزده گزرا نیز تظاهرات شاخایی برپا شد که با نیت انجام گزراهای رژیم مبارز است وسیع مردم و پرورشده. در زستان در مسجد بزرگ شهر بخام "مسجد مسلا"

پروانین اصل دست ست های شرقی اسلامی در مبارزه عدالت، مبارزه و آزادی و بیبرنی حق بر باطل به تغیب سخن گفته شد و در خانه مردم علیه استبداد موجود پرله آژادی" شعار دادند. برخی از دیگر شعارها چنین بود "بهر آزادی زندگی تنگی است"... "زندگی یعنی مبارزه در راه عقیده و ایمان"... در خوشتر و در زبون نیز تظاهرات شاخایی برپا شد. در

در زبول جوانان شرقی مذهبی در میدان مرکزی شهر امتناع و تظاهر کردند علیه رژیم بزرگ شاه شعار دادند. خبرهای رسیده حالی است که گزرا تا ۱۵۰ نفر را پلیس بازداشت کرده است.

در بهبهان نیز تظاهرات و حرکات اعتراضی شاخایی صورت گرفت که ضمن آن علاوه بر تغیب رژیم شکاک آرمایی و بسج مردم پخش شد. در بهبهان ۱۲ نفر توسط پلیس بازداشت شده اند.

# تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم برای سرنگونی رژیم شاه است!

# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب سوده ایران)

شماره ۱۵ چهارشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۵۱

## تیرباران وحشیانه مردم قم

هجوم پامس اجتماع مردم راموقتا بهم زد ، اما ساعتی بعد - اجتماع بزرگتری در برابر در شرق حرم حضرت معصومه بوجود آمد . گروهی بسوی خانه آیت الله شریعتداری و گروه دیگری به طرف منزل آیت الله گلبانگانی به راه افتادند . این موج های انسانی تا شبانگاه خیابانهای قم را درنوردیدند . پس از نماز عشا در مسجد اعظم ، تظاهرات گسترده تر شد . بسیاری از زنان نیز به این سپاه به ستوه آمد . پیوستند . در صحن مسجد ، تلوی از روزنامه بولتنی اطلاعات انباشته و مردم در آن آتش انداختند . مردم بسا این کتابچه دروغ را میسوزانند .

صبح روز ۱۹ دیماه تظاهرات با اعتصاب وسیعی همراه شد . بازار قم و حجره ها و فروشگاههای واقع در خیابان بسته شد . حوزه علمیه تعطیل شد و جمعیت روبرو فروزی ، چون رودخانه ای در - بستر کویچه ها و خیابانها به حرکت در آمد . دارالتبلیغ اسلامی نیز اعلام تعطیل کرد و تمامی طلبه ها به تظاهر کنندگان پیوستند هر چه بر حجم قیام کنندگان افزوده میشد ، برق تفنگ ها و مسلسل های بیشتری در مسیر مردم به چشم میخورد . از غروب به هجوم کرازا شروع شد .

در خیابان بهار ، پشت مدرسه حجتیه و چهار راه بیمارستان بارانی از گلوله به روی مردم باریدن گرفت . ناپیش اعتراض در خون غرق شد ، اما خون مبارزان ، بر حریق خلقی دامن زد . تظاهر کنندگان با مشت های گره کرده به کمین گاه مسلسل ها و تفنگ ها حمله بردند . بیش از دو ساعت مشت ها با تفنگ ها جنگیدند . و وقتی سکوت و تاریکی شبانه بر شهر سلحشور سایه انداخت ، انبوهی شهید در خون خود می تپیدند و بیش از صد مجروح در روی آسفالت خیابانها بر جای مانده بودند .

آمار شهیدای حادثه قم را شاهدان عینی بیش از ۲۰ نفر ذکر کرده اند اما از سرنوشت دهها بازداشت شده ، اطلاعی در دست نیست . ( راد پوی سی . سی . سی . لندن آمار بازداشت شدگان حادثه قم را ۷۰ نفر ذکر کرده است )

در جریان زد و خورد های خونین قم ، مردم عصبانی دکه های - روزنامه ، اطلاعات ، مراکز نظامی حکومت فاشیستی و محل حزب شاه فرود ، رستاخیز را در هم کوبیدند .

\*\*\*

در روز ۲۰ دیماه شهر زخم خورده ، قم عزای عمومی اعلام کرد . سراسر شهر تعطیل شد و علی رغم بیوش سبحانه دوشیمنان و تفنگ

گلوله باران کردن وحشیانه مردم در خیابانهای قم ، بار دیگر با قاطعیت و روشنی نشان داد که بین رژیم گانگستری شاه ساواک و خلقهای ایران در ریائی از خون فاصله است . این جنایت هولناک ، داغ تنگ تازه ای بر پیشانی حکومت خاصی زد که پاکرد تازی با نکی های امپریالیست بر زمین ماحتمیل شده و ادامه هر روز از حیات پیر ادبار خود را با سلاخی کردن آزادی و حقیقت و عبور از زندانها و شکنجه گاهها و از روی جنازه گزای ترین فرزندان و شهدای خلق تأمین میکند .

فاجعه قم مانند تمامی رویداد های دیگر با تحریف بیشرمانه و در هیاتی آمیخته به کذب و ریا بدر روزنامه های ساواک زده کوسفتندی ضحکس شد . اما خون شهدا را نمی توان با لای و - لجن پوشاند . صدای شهید صدای حق و ایمان است و این صدا حتی از برای گور و اعناق مرگ وطنین میاندازد و به مبارزان و مجاهدان زرمناه حق و باطل و نیرو و الهام می بخشد .

قیام به خون کشیده قم از روز ۱۷ دیماه آغاز شد . تظاهرات گسترده مردم ، بانگ اعتراض به رژیم اختناقی و نقش کثیف شاه به عنوان نوجبه امپریالیسم آمریکا و دلال اسرائیل صهیونیست ، در سرهم بندی کردن بحران خاورمیانه به زیان خلقهای عرب و فلسطین بود . این ناپیش خشمگین و محکوم کننده ، به برخورد های پراکنده ای با گزیمها و داروغهای شاه انجامید .

رژیم به جای پاشیدن آب بر حریق که افروخته بود ، باروت در آن ریخت . در حالیکه شاه از طرف امپریالیسم آمریکا به مأموریت صحر میرفت تا به نیرو و وسوسه دلارهای نفتی ایران ، - تو طئه " سادات - بگین " را علیه مقاومت و مخالفت خلقهای عرب و حتی محافل واقع بین صوره از بن بست پهرماند ، روزنامه فرمایشی اطلاعات به اشاره ساواک طی مقاله متعصی از کوششهای استعمار علیه ایران سخن گفت و در پیاوه های خود ، مرجع مبارز نیعمیان جهان آیت الله خمینی را به باد تهمت و استهزاء گرفت این - هن کجی به مردم آزاد های بود که از فشار خیانت و تبه کاری و فساد و جپاول و نیرنگ رژیم راهزنان و دمار بندان بس جان آمد مانند و جهان را با صدای اعتراض خود پر کرد مانند .

فردای آن روز افواج خشمگین مردم در اطراف حرم و میدان آستانه گرد آمدند . آنها علیه " بیزد زمانه " و تبعید آیت الله خمینی شعار میدادند . مشت ها گره کرده بود ، چهره ها دژم و قلب ها ، نارنجک های آماده انفجار . . . .

بعید دارند؟ عجبها که تماشای روزنامه‌های جد از مردم و بلندگوهام بر میاهو و برید ماز حقیقت، حادثه خونین قم را با یک املا و یک انشاء واحد و کلیشهای منعکس کرد مانند! آیا متن این آگهی و سخننامه ساواکی با همان دستنویشته نشده که مانده اسلحه را بروی مردان و زنان و کودکان بی گناه قم هفتصد ماست؟ حکومتی که با مردم تنها از لوله تفنگها سخن میگوید، حق حیات ندارد. جنایت فجع قسم، یک بار دیگر حقانیت شعار روز حزب تود ما بران را که همه مبارزان و مخالفان رژیم دیکتاتوری را در یک جبهه متحد فراموشاند تا پیروز میکند. در شرایطی که مبارز توده ای مهریک فدائی و آزاد بخواند مذمبی زیر یک خریبه، شریک یک شکستگاه و یک زندان اند و با تازیانه و تحقیر و گول و هجوم و احدی روبرو میشوند و پایه خاک و خون می خفتند و تفرقه و جدائی ما عجز شادگان دشمن و ادامه این بساط امریضی، تئوری ندارد.

هم صیقلان! مبارزان! آزاد بخوانان!  
 بهای هر روز ادامه حیات ننگین دارو دسته دیکتاتوری برای خلقهای ما قربانیان بیشتر و تاراج دانشدارتر ضایع و ثروتها و امکانات ملی ماست. فرصت های طلایی و تکرارناپذیر وطن ما برای نوازی و جبران عقب ماندگی قرون و اعصاری که به برکت رژیم خود گاه آریاصه‌ری تعمیق شده، بهیچر میروند. ما در برابر تاریخ و صیقل خود مسئولیم. به این مسئولیت تنها با کوشش در یگانگی وفاق آمدن بر مخفلات و سایل اتحاد نیروهای ملی و استبدادستیز و طرد عناصر پیرانگر و تفرقه انداز از درون جنبش، میتوانیم پاسخ دهیم. تا روزی که در یگانگی خویش نتوانانضمخ منحن های پالی که در قسم به خاک ریخت، پهنای بیشتری از صیقل ما رازنگین خواهد کرد...

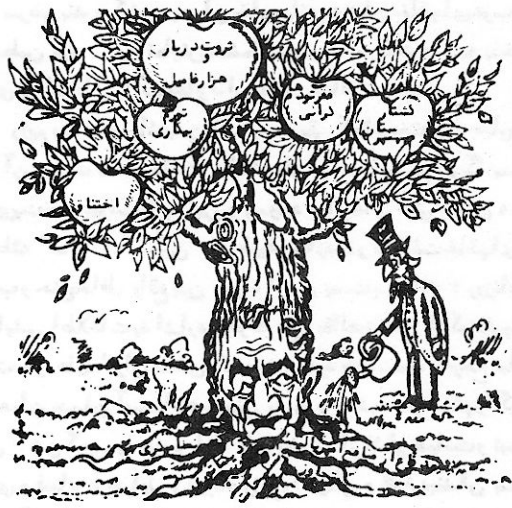
داران شاه به تظاهرات مردم، جنبش اعتراضی در دانشای - گسترد مترواج بر حرارتی گرفت.

در قم از دوروز پیش حکومت نظامی برقرار است. پانزده - کامیون گارها و رنجرهای شهربانی را از تهران برای کله بصیر غیبها و سگهای هار شاه به قم منتقل کرد مانند. قم به صورت یک شهر اشغال شده در آمده است. عبور و مرور در شهر قسم توسط گشتی و پلیس که در همه مراکز و مناطق شهر مستقر شده است، به شدت کنترل میشود. حرکت بعضی از اتوبوسهای مسافربری از تهران و دیگر شهرها به قم لغو شده و مسافرانی که بهر وسیله دیگر وارد شهر میشوند، با دقت مورد بازرسی و تفتیش قرار میگیرند. بازرجویی از مردم و رهگذران در خیابانها و بازید بدنی آنها در ایجاد بیسابقهای اجرا میشود.

اما حتی کابوس سلسلها و تفنگها نتوانسته فتوری در عزم مبارزه وارد آورد. مشتجا کره کرده و قلبها پراز کین و شعاره آماده انفجار است. مردم را با گول و باروت میتوان به خون کشید، اما تاریخ شهادت میدهد که خلقها تسلیم ناپذیرند!

\*\*\*

رژیم تبهکار برای توجیه جنایت ننگینی که مرتکب شده، به عادت همه بزدلان و خاقتان به دروغ متصل شده است. بروزی نامه‌های زیر کنترل و دست‌آورد با نهایت بی شری ادا کرد مانند که گویا تظاهر کنندگان میخواستند کلانتری یک قم را تسخیر کنند و مأموران از روی اجبار به روی آنها آتش گریه اند. اما کیست که ورشکست‌ترین و فقیح ترین درونگهان صیقل ما را نشانده؟ اگر این ادعای جبن آمیز صحت داشت، پس چگونه است که تیرانداز پلیس به مردم بی سلاح در چند نقطه متفاوت شهر رخ داده و خیابانهای که با خون شهیدان رنگین شده مانند پاکلانتری فاصله -



درختی که وی را طبع است سرفیضت

جنایت بیشتر مانده و غیظان شاه را در قسم هر چه وسیع تر در برابر مردم انشاء کنیم. صدای اعتراض خود را علیه رژیم سفاک و درنده ما که هر حرکت اعتراضی و مخالف راه در خون غرق می کند، بگوش جهانیان برسائیم. رسوا کردن شاه آذکشان موجب ناتوانی و انسوزای بیشتر است...

# در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!